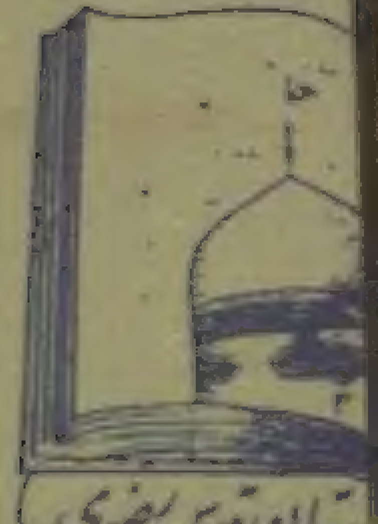

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

قدس رضوی

کتابخانه مرکزی

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

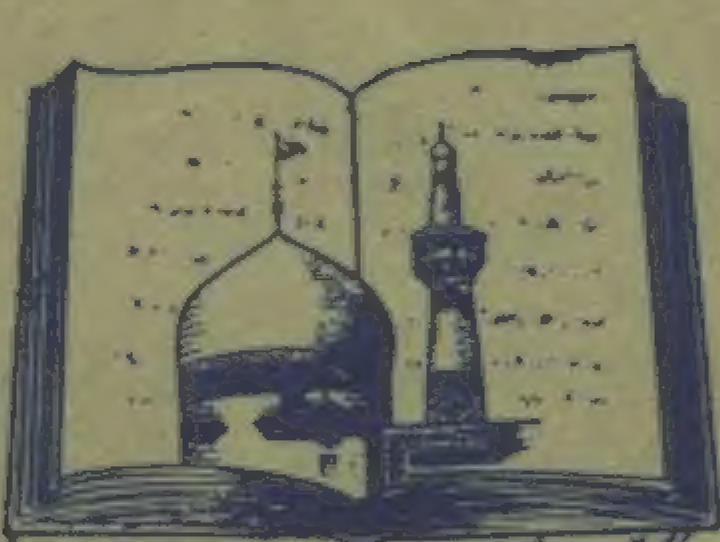
قدس رضوی

کتابخانه مرکزی

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

قدس رضوی

کتابخانه مرکزی

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی



اسم کتاب اخبار الاوائل فارسی

مصنف طباطبائی یزدی، محمد
مولف

خطی سنگی نسخ بمبئی
چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۳۱۲ ق عدد اوراق

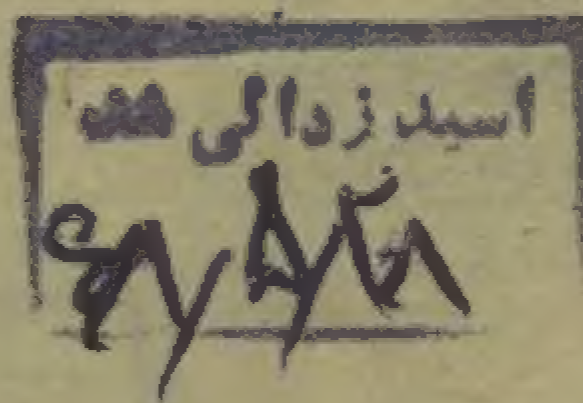
جزء کتب اسلام، مجموعه‌ها شماره عمومی ۱۴۸۲۰

شماره عمومی ۱۴۷۴۶ شماره قبض

واقف خرید از کتابخانه آستان قدس تاریخ وقف مهر ۱۳۲۹

طول ۱۸ عرض ۱۰ گنجه

کاتب: لاری، محمد کاظم



اسید زدائی شد
۹۷/۸/۲۸









این تازه رقم که زد زمانه — بر لوح بقای جاودانه

هذا
کتاب اخبار الاول
وموئس ارباب الفضائل
من مؤلفات بحر الفواضل و
الفضایل زخر الاواخر والاوائل
الجامع لشرافة السیادة والنجابة الاوحد
المؤید جمال الدین السید محمد الواعظ زید
عزه وعمره ابن قدوة العلماء العاملین وزبدة الفقهاء
الکاملین سید المحققین والمدققین
وسلطان الواعظین سمی ثانی السبطین
الحاج سید حسین الحسنی الحسینی
الطباطبائی الیزدی الحائری
طیب الله
رمسه

مفتاح خزانه کمال است — مصباح زجاجه جمال است

DUTTPRASAD PRESS BOMBAY TANDEL STREET

هذا هو الكتاب المسمى اخبار الاوائل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المتعالى عن الضّد والمثال والمتجلّى لعباده بالجمال و
الجلال والمتوحّد فى حريم كبريائه فى كلّ كمال تسبّح له الرّمال وتسجد
له الظّلال وتدكدك له الجبال وخلق الانسان فى احسن تقويم واتم
اعتدال والصّلوة والسّلام على اوّل المخلوقات الّذى هو مكمل
الكمال ومعدن المكارم والخصال وصاحب الأنعام والأفضال
وكريم الأعمال والأحوال سيّد الأنبياء وسند الاصفياء وخاتم
واوّلهم واخرهم محمّد المختار المبعوث على البريّة لأزالة الجهل
وتربية الجهّال وشمله القرب والرّضاء فى جميع الأفعال
والأقوال وعلى اهل بيته الأطهار من الأولاد والآل الذينهم
اقطاب افلاك الجود والنّوال سيما على عليه السّلام امير المؤمنين
واوّل المسلمين وخير امام ووال واللعنة الدّائمة على اعدائهم

واول

واوّل ظالمیهم المستوجبین للسخط والنّکال وبعد چنین گوید
این بندهٔ ضعیف ذلیل وملتجی بعفو وکرم خداوند جلیل جمال
الدّین محمّد بن العلّامة حسین بن مرتضی الحسنی الحسینی الطّباطبائی
الواعظ الیزدی الحائری بلّغه الله الی ما یتمنّاه وجعل عقباه
خیراً من دنیاه که بر ضمائر هوشمندان اسرار و خردمندان عالی
مقدار و صیرفیان عیون جواهر اخبار پوشیده نماناد که این جزوه ایست
در بیان اوائل اخبار و آثار ذکر می شود مطالب غریبه و سوانح
عجیبه فریده که کمتر بسمع دانشمندان عالم رسیده بخواهش بعضی
از فضلآء ابرار و ادباء اخیار بمقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور
بقلم تالیف و خامه تحریر در آورده و حصول این نامه از آثار
عصر همایون و دولت روزافزون اعلیحضرت ناهید عشرت
کیوان رفعت خورشید رایت بهرام صولت مشتری سعادت
جمشید حشمت فریدون حکمت سکندر همّت فیروز بخت
سلطان سلاطین زمان دارا دربان کسری نشان کیتی ستان
قوام ملک و ملّت دوام دین و دولت السّلطان بن السّلطان
والخاقان بن الخاقان السّلطان ناصر الدّین شاه قاجار لا زالت
اعمدة فساطیط جلاله مرفوعة واطناب خیم سلطانه ممدودة
اللّهمّ متّع المسلمین بخلود ملکه وابود دولته ونصرة عساکره
ما بقی اللّیل والنّهار وتلاطم البحار وتجری الانهار ونامیده
این اثر جمیل و فهرس شریف را به **اخبار الاوائل** و مونس

ارباب الفضائل و تاریخ شروع در این رساله از مصرع اخیر ظاهر است
بین نغز کتابی که بتاریخ اخبار اوائل شده موسوم
امید چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم
بهم رساند در نظر ارباب غرض الَّذِيْنَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَرَضٌ سعدی گوید
منه گوش در قول صاحب غرض که از کینه در سینه دارد مرض
رجاء واثق انستکه طالبان حدیث و خبر و صاحبان علم اثر و سیر
بنظر حقارت براین نامه خورد ننگرند و خورده نگیرند و اگر
سهو و غلطی بیابند شان اکابر انستکه بجامه عفو از در اصلاح
درایند والعذر عند کرام الناس مقبول ولعل الناظر فی هذا
الکتاب المنسوج علی ذالك المنوال بعد الملاحظة علی الانصاف
والتامل الصادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه ومن الله
المتعال الاعانة فی کل احوال والتوکل الیه والتوسل الی اولیائه
فی المبدء والمال وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما
فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اول
چیزیکه خدای تعالی خلعت خلقت بروی پوشانید نور مقدس
سید انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بود چنانچه در روضة
الصفا و مناهج الطالبین و حبیب السیر و تاریخ و دیگر کتب احادیث
مسطور است که روزی جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد
یا رسول الله اول چیزیکه خدای تعالی خلق کرد چه بود آنحضرت
فرمود نور نبیك اخبار و احادیث مختلفه در این باب وارد

شده

شده کما قال اوّل ما خلق الله القلم اوّل ما خلق الله العقل فقال
له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال وعزّتی وجلالی ما
خلقت خلقا اکرم علی منک بک اعطی وبک امنع وبک اثیب
وبک اعاقب وقال اوّل ما خلق الله اللّوح وقال ایضا اوّل ما خلق الله
الرّوح وفی الخبر فلمّا خلق العقل وهو اوّل الرّوحانیین در جواهر
الاسرار تصنیف شیخ نور الدین حمزه بن علی الطوسی آمده بدانکه
اوّل شیئی که از موجود حقیقی صادر شد عقل اوّلست بدلیل
اوّل ما خلق الله العقل وفی روایة جوهرة وفی روایة درّة وفی روایة
اوّل ما خلق الله العشق وفی روایة العلم واینها مختلف نیست
بحسب معنی بلکه همه عبارت از یک چیز است یعنی جوهره که در روی
ثناء وحد نست اسم محمّد صلی الله علیه واله است وچون این
حقیقت را معانی بود اسم او درّة آمد وچون حیّ ومحیی بود اسم
او روح آمد وچون ظاهر ومظهر بود اسم او نور آمد وچون
مدرک کلیّات بود اسم او عقل آمد ونار الله که در وی محبّت
موقده گشته بود اسم او عشق آمد پس جوهر اسم ذات او باشد
وما بعده اسماء وصفات او بود گفته اند نخستین آیتش عقل
کل آمد که در وی همچو بای بسمل آمد ونیز خواجه نصیر الدّین
طوسی ره گفته اوّل ز مکوّنات عقل وجانست واندر پی او
نه فلک کو دانست زاینها چه گذرکنی چهار ارکانست پس
معدن وپس نبات وپس حیوانست ودر جای دیگر وارد شده

والان که این بنا ظاهر است از سلطان مراد است اوّل کسیکه
از صوامع جبروت بحج بیت الله امد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سمآء والعالم اوّل صیدیکه در شبکهٔ وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الارواح قبل الاجساد باربعة الاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس الفنون لمولانا محمود الدین اوّل
پیغمبران ادم صفی است اوّل وصی انبیاء شیث بود اوّل کسی
که از اولاد ادم عذارش بمحاسن مشکین مشك اگین گشت و اوّل
کس است که بعد از ادم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت وتنبیه
ضروریات شریعت پرداخت وبنابراین حکماء اورا اوریای
اوّل گویند چه اوریا بلغت سریانی معلم است فی حبیب السیر
وغیره اوّل کسیکه درخت خرما نشانید انوش بن شیث بود
واوّل کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بناکیتی
وحمد الله مستوفی اوّل کسیکه بسوزن جامه دوخت شیث ع
بود واوّل کس است که بقلم نگاشتن فرمود واموخت اوّل
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خزر بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خز خوانند واوّل کسیکه از مگس
نحل استخراج عسل اموخت در ناسخ اوّل کسیکه از پوست
سمور وسنجاب پوستین کرد برطاس بن کاری بن یافث بن
نوح ع بود اوّل کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق گشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: نخستین خدیویکه کشور گشود

سر تاجداران کیومرث بود در نظام التواریخ است وغیره و
اول کسیست که در مملکت ایران بر چهار بالش سلطنت نشست
و تشئید قوانین حکومت فرمود و باتفاق مورخین جهان اول
کسیستکه بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد
عکس قول شیخ ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی است که در
کتاب نصیحة الملوک گفته کیومرث برادر شیث بود شیث قانون
شریعت داشت و کیومرث قانون حکومت و سلطنت وهو
اول من بنی وسکن الدور وکانوا قبل ذالک یسکنون الکهوف
والمقابر فی اخبار الدول وآثار الأول واول کسیستکه جغد را
مشئوم شمرده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه
جغد برا دید که چند کرّت آوازی موحش کرد آن را بفال بد
گرفت چون بمسکن سیامک شتافت وی را کشته یافت لاجرم
جغد را مشئوم دانست در ناسخ اول من تکلم بالعبرانیة شیث
وهو اول من لبس القلنسوه والنعلین واول من علم الکتابة
وعلم الحساب والشهور والسنین فی سبائک الذهب اول
کسیکه مقراض ساخت وقطع اثواب کرد متوشلخ بن ادریس
نبی بود قرطاس حکیم گفته که اول مخلوقات هواء است ومجموع
اجرام علویه واجسام سفلیه از هوا متکون شده چنانچه کواکب
وعقول ونفوس از هوای صافی مخلوق گشته اند وجماد ونبات
وحیوان وانسان از هوای کثیف در وجود آمده اند فی خزائن

ملّا احمد النراقی اوّل قبیلة قتلها الله تعم وان عناق دختر آدم است
او را بیست انکشت بود که در هر انکشت دو ناخن داشت و هر ناخن
را بمثابه داسی بزرک داشت و هرکاه مینشستی یك جریب زمین
را طولا و عرضا فرو میکرفت فسلّط الله علیها اسدا و ذئبا و
نسرا فقتلوها در ناسخ اوّل کسیکه کیل و ترازو ساخت
شعیب نبی بود و حق مردمانرا تمام میدادند قوم بکیل او
کیل میکردند در خبر است که بدست خود ساخت و چون
شروع کردند در کم دادن کیل و ترازو و دزدی در او پس
ایشانرا زلزله کرفت و بان معذّب کردیدند تا اینکه هلاك
شدند اوّل کسیکه در ترکستان رایت جهان ستانی بر
افراشت ترك بن یافث بن نوح بود در ناسخ و اوّل کسیستکه
خانها از چوب و کیاه ساخت اوّل کسیکه اختراع خیمه و
خرکاه کرد طهراسب کیانی بود که نسب او بکیقباد میرسد اوّل
کسیستکه جامه از چرم حیوانات ترتیب داد در ناسخ اوّل
سر بریدهٔ که سخن کفت سر یحیی بن زکریّا بود در مجلس امیرودس
پادشاه فرمود با ربیبه خود زنا مکن او متنبّه شده امر کرد
تا سر حضرت یحیی را بخاك سپردند اوّل قتلی که واقع شد قتل
هابیل است بدست قابیل در تاریخ ابن اثیر اوّل من عمل
الرّیح کشتاسب الملك اوّل من اسلم من الانصار ابو رافع بن
مالك در سبائك الذهب اوّل ملوك اشکانیان اشك است

فی اخبار

فی اخبار الدول اوّل کسیکه رسم نمک در طعام پدید اورد
فودك خان پسر ترك بن یافث بن نوح بود گویند روزی فودك
در شکارگاه لقمه در دهان میگذاشت از دستش رها شده در شوره
زاری افتاد و نمک آلوده شد چون فودك ان لقمه را بر گرفت و
بخوردان طعم را ملایم ذائقه یافت از ان پس رسم شد که نمک در
طعام باشد در ناسخ اوّل پادشاه سریانی نمرود بن کوش بن
نوعمة بن نوح ع بود در ناسخ اوّل من سنّ الحداء للابل مضر بن
نزار و کان من احسن النّاس صوتا فی سبائك الذّهب اوّل
ملك نصب الاعلام وبنا الامیال والعلامات علی الطّرق و
المناهل ابرهة بن حارث بن قیس فی سبائك الذّهب اوّل
کسیکه سنّت صوم در میان اشکار ساخت طهورس بن دیوبند
بن هوشنك بود چه در کتاب روضة الصّفا و اخبار الدّول
و اثار الاوّل و ناسخ التّواریخ است که در زمانش قحطی بسیار
عظیمی حادث گشت و علامتی غریب روی داد میفرمود تا اغنیاء
همه روزه گیرند و طعام چاشتگاه خود را بفقرا بخش کردند تا ان
بلا بر خواست و در روضة الصّفا است در ان اوان قحطی عظیم
روی نمود چنانچه گرده مردم اب می شد تا گرده از تنور رزق
میکشیدند و بعضی بینوایان روز بدیدن قرص خورشید
بشب میبردند و شب بمشاهدهٔ کلیچه قمر بروز میرسانند
غذای اوست که ببیند قرص در شب و روز بروز دیدن خورشید و شب مه تابان

واوّل کسیستکه مرغان شکاری راصید آموخت در روضة الصّفا واوّل کسیست که خط پارسی بر کتاب نوشت واوّل کسیست که ابریشیم از کرم قز اندوخت واوّل کسیست که حمل انتقال بر دواب نمود اوّل کسیکه تاج برسر نهاد جمشید جم بود واوّل کسیستکه عید کرد و نام آن نوروز نهاد واوّل کسیستکه لعل وگوهر از معدن برآورد واوّل کسیست که جامه های حریر با رنگهای مختلف ملوّن کرد واوّل کسیست که آلات حرب را چون شمشیر وخنجر وخود ومغفر بکمال رسانید واوّل کسیست که حمام بنا نهاد واوّل کسیست که در علم طب استنباط بدیع کرد واوّل کسیست که رسوم جادها در مسالك ومعابر مقرر داشت واوّل کسیست که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار گشت اوّل کسیکه رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السّلام بود در حق الیقین اوّل کسیکه تاج ساخت و برسر نهاد شابور بن هرمز بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه نوره اختراع کرد سلیمان بن داود علی نبینا وآله وعلیه السّلام علی بن ابراهیم روایت کرده که از پیش از آمدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنیان را که خانهٔ از شیشه برای او ساخته بودند و بر روی آب گذاشته بودند پس بلقیس آمد گفتند باو که داخل شود در عرصه قصر پس او گمان کرد که آب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان گفت

این عرصه

این عرصه ایست نرم از شیشه ساخته اند و آب نیست بلقیس
گفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستیدم
و اسلام آوردن و منقاد شدن با سلیمان برای خداوندیکه
پروردگار عالمیان است و علی بن ابراهیم نیز روایت کرده است
که پس سلیمان او را بعقد خویش در آورد و شیاطین را حکم
فرمود که چیزی بسازید که موها از پای وی زایل سازند پس
حمام ها بعمل آوردند و نوره را برای او ساختند پس حمام و نوره
از چیزهائیست که شیاطین برای بلقیس ساختند و همچنین
اسیائی که آب میگرداند در زمان آن حضرت بهم رسید
پس معلوم شد که اوّل اسیائی که ساخته شد جنّیان
ساخته بودند و در حدیث آمده که چون بخواهید نوره
بکشید در وقت آن انگشت خود را در آن بینی برده بگوئید
اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره و سلیمان اوّل
کسیست که داخل حمام شد و اوّل کسیست که بلغت آدمیان و
جنّیان و وحوش و طیور و سباع و بهائم سخن گفت و متکلّم
گشت و اوّل کسیست که بر بساط نشست و عالم را سیر کرد و طواف
کرد اوّل کسیکه بپارسی سخن گفت هوشنگ شاه بود اوّل
کسیکه با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین
بوده باشد اوّل کسیکه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گفت و یاد نمود
سلیمان بود اوّل کسیکه سر نامه را مهر زد وی بود اوّل

کسیست که خانه مبارکه کعبه را جامه بافته پوشانید در خبر است
جنابش جامهای مصری نعید بر خانه کعبه پوشانید اوّل
کسیکه مثله کرد ضحّاك بود واوّل کسیست که تازیانه زد واوّل
کسیست که مردمان را بردار کشید اوّل کسیکه در شکم مادر
چهار ماهه بیش نزیست وچهار ماهه متولّد شد دی یونانك
پادشاه چین بود در ناسخ اوّل کسیکه از بطن مادر ختنه کرده
بیرون آمد لوط نبی ع بود در رابع بحار الانوار است از امیر
المؤمنین ع روایت میکنند که فرمودند بمردی از یهود اَنتُم
تقولون انّ اوّل عین نبعت علی وجه الأرض العین الّتی فی
بیت المقدّس وکذبتم هی عین الحیوة الّتی غسل فیها یوشع بن
نون السّمکة فهی العین الّتی شرب منها الخضر ولیس یشرب
منها احد الّاحیّ وانتم تقولون انّ اوّل شجرة نبتت علی وجه
الأرض الزّیتون هی الشجرة العجوة الّتی نزل بها آدم من الجنّة
معه اوّل من عملت له السّیاط الاصبحیة حارث بن مالك بن
زید فی سبائك الذّهب اوّل من ملك فی بنی عباد القاضی
محمّد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائك الذّهب
اوّل کسیکه در علم طبّ سخن گفت اسقلیبوس حکیم بود واولاد
خود را وصیت کرد که این صفت را بغرباء واجانب تعلیم ننمایند
تا عزّت وشرف این علم مخصوص خاندان او باشد ورای او
در علم طب تجربه بود وبقیاس واستدلال عمل میکرد ومدّت

مرادو

هزار و چهار صد و شانزده سال قول حکماء در مسائل طبی بر
این منوال بود در روضة الانوار اوّل سریکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمرو بن الحمق الخزاعی بود که امیر المؤمنین ع او را خبر داده
بود در ناسخ اوّل کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السلام است زیرا که لواء پیغمبر در دست اوست و صاحب
لواء مقدّم است در حق الیقین اوّل کسیکه در غدیر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السلام کرد عمر بود گفت بخ بخ لک یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای و مولا کلّ مؤمن و مؤمنة اوّل کسیکه بعد
از طوفان نوح در مملکت هندوستان لوای سلطنت بر
افراشت کشن بن یعرب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اوّل کسیکه اصنام را پرستید و دعوی پیغمبری کرد و تلقین کرد براهمن از
نسل بنک بن هند بن حام بن نوح ع بود در ناسخ اوّل کسیکه
فیل را بدست آورد و رام کرد و سوار شد کشن بن هند بود
اوّل شهریکه در هندوستان بنا کرد شهر اوده بود در ناسخ اوّل
بنای نیکوئی در روی ارض بنا شد بهشت شدّاد بن عاد بود بمصداق
آیه کریمه اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِی لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ اوّل
کسیکه اختراع ساز و چنگ و سلاح نبرد نمود قالع بن عابر ع
بود و قالع قاسم را گویند اوّل کسیکه بمرض فجاء بمرد داود ع
نبی بود که بر منبر رحلت کرد فی رابع بحار الانوار اوّل زبانی
که آدم و اولادش بدان تکلّم میفرمودند سریانی بود در ناسخ

اوّل کسیکه امر کرد بوضع زربفت بهمن بن اسفندیار بود اوّل
آیه که بر رسول خدا نازل گشت آیهٔ اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه پیشکش بدو تحیت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السلام فرستاد بنحن انعم صباحا و
ابیت اللعن در ناسخ اوّل کسیکه سپاه نشانید در هر منزلی دارا
کیانی بود اوّل پادشاهیکه دامن عصمت را از شهوت بمعصیت
ملوث کرد خسرو بن پرویز بود که با خواهر خود زنا کرد اوّل من
امر بتصنیف کتب الجدل فی الرد علی الزنادقه والملحدین محمد
مهدی عباسی بود که سوم خلفاء است فی سبائك الذهب اوّل
کسیکه کمربند اختراع کرد و بر کمر بست اردشیر بن ساسان بود و
اوّل کسیست که جاسوسان در عالم گذاشت اوّل کسیکه سبزه
در سفره گذاشت کیخسرو بن سیاوش بود اوّل کسیکه آهن از
سنگ بیرون آورد و در کوره گداخت و از آن سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامك بن کیومرث بود در ناسخ و اوّل کسیست که
سگان تازی را صید کردن آموخت و اوّل کسیست که کلابرا
برای حفظ رمه معین ساخت و اوّل کسیکه خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد و اوّل کسیکه زر و سیم و معادن بر آورد
و جواهر شاداب استخراج کرد و اوّل کسیکه قطع شجره آموخت
و اوّل کسیکه پرداختن تخته و درب ساختن آموخت و اوّل
کسیکه تصنیف کتابی کرد و نام او جاودان خرد نهاد که اوّل

مرتبه کنجور بن اسفندیار که یکی از وزرآء سلاطین عجم است از فارسی قدیم بزبان متداول ترجمه کرد و حسن بن سهل برادر ذو ریاستین که وزارت مامون عباسی داشت بزبان عربی نقل نمود و استاد عالم ابو علی مسکویه بالحاق حکمتهای فرس و هند و روم و عرب انرا انجام داد و نام ان آداب العرب والفرس نهاده و فقیر انرا دیده ام و مطالعهٔ ان دلیل ظاهر است بر حصانت نفس و کمال و فهم و فضل و دانائی او و این کتاب را هوشنگ برای پند واندرز فرزندان خود و دیگر ملوک که از پی او سلطنت کنند نگاشت مؤلف گوید همانا عبارت بعض کلمات آن کتاب اینست که میفرماید از خداست آغاز و باو ست انجام و بدوست توفیق و او ست ستوده کسیکه شناخت آغاز را شاکر شد و کسیکه شناخت انجام را مخلص شد و کسی که فضل و کرم او را دانست موافقت و انقیاد پیشه کرد و از راه مخالف برکنار آمد اگر بخواهم تمام نصایح بنگارم از مقصود خارج خواهیم شد اول کسیکه دارو ها برای رنج اسب بساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اول کسیکه پوشش از پوست سمور و سنجاب و دیگر جلود کرد و دیگرانرا نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اول شهری که در زمین بنا شد شهر چین بود که ترک بن یافث بن نوح ع بود که بنای او مشتهر شد در حدیث آمده از حضرت صادق فرمود

اولنا محمد واخرنا محمد واوسطنا محمد وکلنا محمد فی شرح
الزیارة وغیره اول کسیکه کاسۂ چوبی ساخت از برای آشامیدن
اب وغیره قینان بن انوش بن شیث علیه السلام بود اول کوهی
که وضع گشت بر روی زمین کوه ابو قبیس بود در کشکول شیخ
یوسف اول مسجدی که بنا شد مسجد الحرام بود فی کشکول اول
کسیکه در زمان جاهلیه مال خود را در راه خدا داد عبد المطلب
در روضة الصفا اول من تکلم بالعبریة عابر اعنی هود النبی علیه السلام
اول کسیکه بزبان عربی سخن گفت یعرب بن قحطان بن هود بود
وخود گوید انا بن قحطان الهمام الاقیل یا قوم سیروا فی الرعیل
الأول انا البدو فی اللسان السهل المنطق الأبین غیر مشکل
در ناسخ اول کسیکه طبل و زنگ و درای وضع کرد دی کوشنک و
شی بود در ناسخ اول کسیکه در یمن درجه سلطنت یافت و
از جمله ملك بزرك شمرده شد حارث رائش بود و او پسر قیس
بن ضیفی بن سالار بن سبا الاصغر بن حمیر بن سبا الأکبر در
ناسخ اول کسیکه در مهد سخن گفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاریخ مناهج الطالبین اول کسیکه علم نیرنجات
وسیمیا در عمل اورد کیقباد شاه بود در مناهج واول کسیت
که در راهها فرسنك ومیل تعیین کرده اول کسیکه در جهان
گریه وناله کرد حضرت ادم علی نبینا واله وعلیه السلام بود
اول کسیکه در عالم مرثیه گفت کیکاوس بود جهه پسر خود سیاوش

رعیل اول یعنی صف اول منه

در مناهج

در مناهج اوّل کسی که از ملوك خلایق را وعظ گفت کیخسرو بن
سیاوش بود در مناهج اوّل العلم معرفة الجبّار واخر العلم تفویض
الامر الیه فی امثله عرب اوّل کسیکه جمع کرد مردم را در نماز جنازه
بر چهار تکبیر عمر بن الخطّاب بود و حال انکه رسول خدا فرموده
بود بر جنازه پنج تکبیر بگویند چنانچه ابن بطه گفت پیغمبر صَ
صلّی الله علیه واله بر نعش حمزه سیّد الشّهداء پنج تکبیر گفت در صف
اوّل کسی که از اهل بیت اطهار شهید شد عبدالله بن مسلم بن
عقیل بود فی مخزن البکاء للبرغانی و روضة الصّفا اوّل کسیکه
در روز عاشورا تیر بجانب امام حسین علیه السّلام افکند
عمر بن سعد بود گفت گواه باشید که اوّل کسیکه بطرف لشکر
امام حسین علیه السّلام تیر انداخت من بودم شخصی از شیعهٔ
ان جناب جواب داد که اوّل کسیکه از این مردم بدوزخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصّفا اوّل کسیرا که در روز قیامت
بطلبند و در پیشگاه حضور خود خوانند حضرت نوح علی نبیّنا
و علیه السّلام خواهد بود پس از او بپرسند که آیا تبلیغ رسالت
کردی گوید بلی گویند که گواهی میدهد از برای تو گوید محمّد بن
عبدالله صَ پس نوح بیرون اید و پا بر سر مردم گذارد تا بیاید
بنزد محمّد صلّی الله علیه واله و او بر روی تلّی از مشك و علی
نیز با او باشد و این است معنی قول حق تع فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِيْئَتْ
وُجُوهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوا یعنے چون ببینند علی را صاحب قرب و

منزلت نزد حق تعم و بر بالای تل مشك در خدمت رسول
خدا بنیند متغیر کردد و سیاه کردد روی کافران پس نوح کوید
یا محمد حق تعم از من کواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نبوی صلعم
کوید ای جعفر وای حمزه بروید و کواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق عم فرمود که پس
جعفر طیار و حمزه شاهد انبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان راوی یوسف بن ابو یوسف است کفت فدای تو شوم
علی در انوقت کجا است حضرت فرمود شان و منزلت و جاه علی
از ان بالاتر و بزرکتر است که او را برای کواهی انبیاء بفرستند
در غایة المرام و حق الیقین و غیره اوّل جماعتیکه در اسلام شد
منع از کتابت و ثبت بود برای بیعت و این اوّل فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام بهم رسید در حق الیقین اوّل کسیکه رد شمس
از برای او شد یوشع بن نون نبی عم بود چنانچه در ادعیه و خبر
رسیده یا راد الشمس لیوشع بن نون نور الشمس بعد غروبها
و در روایت دیکر اوّل کسیکه رد شمس برای او شد سلیمان بن
داود عم بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعشی الصافنات
الجیاد و یاد کردان وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
پسین اسبان نجیب بسه دست و پا می ایستادند و از یکپا سر
سم را بر زمین میکذاشتند نیك رفتار و تند رو بودند و کفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود عم بان حضرت رسیده

بود

بود و بعضی گفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای
آن جناب بیرون آمده بودند فَقَالَ اِنِّیٓ اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَیْرِ
عَنْ ذِکْرِ رَبِّیْ حَتّٰی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ یعنی پس گفت بدرستی که من دوست
میداشتم اسبان را تا پنهان گشت آفتاب در پرده یعنی پست
شده یا غروب کرده رُدُّوْهَا عَلَیَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوْقِ وَالْاَعْنَاقِ
یعنی برگردانید اسبان را بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و
گردن اسبها یا آنکه برگردانید آفتاب را برای من پس مسح کرد
ساق و گردن خود را برای وضو و نماز کرد وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَیْمٰنَ
وَاَلْقَیْنَا عَلٰی کُرْسِیِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ یعنی و بتحقیق امتحان کردیم
سلیمان را و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه
نمود بسوی ما و علی بن ابراهیم گفته است در تفسیر این آیات
که سلیمان اسبان را بسیار دوست میداشت و مکرر میطلبید
و بر او عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد
تا آفتاب فرو رفت و نماز عصر از او فوت شد غم عظیمی باین
سبب او را عارض شد پس دعا کرد که حق تعالی آفتاب را بر او
برگرداند که صلوة عصر بکند پس برگشت آفتاب تا نماز
عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر گردن آنها را زد
و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تعالی فرموده است شروع کرد
بمسح و ساق کردن اول کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد آدم
علی نبینا و آله و علیه السلام بود در طلب حوا هفت مرتبه

ز صفا بمروه آمد و برگشت باین سبب مقرر شد که هفت شوط در میان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند در حیوة القلوب امیدوارم هستم که خداوند متعال نصیب نماید که مشرف شوم اوّل نانی که آدم بخورد کماج بود در مناهج الطالبین اوّل ملوك الحیره من بنی فهم خذیمه الدرش ابن مالك فی سبائك الذهب اوّل من مشت الرجال بین یدیه بالسیوف المرهفه موسی الهادی که از خلفاء بنی عباس است در سبائك الذهب اوّل اسبی نامدار که در ایام عرب پدید آمد اسبی بود از اسبان سلیمان ع و سبب آن بود که قومی از جانب عمان برای ساختن مهمات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان بانجاح مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تا ما را بمنزل رساند سلیمان ع اسبی بدیشان داد و گفت هر دمان بهر منزل که فرود آئید چندانکه خواهید با و صید کنید که هیچ صید از او نجهد ایشان بهر منزل که فرود میامدند چندان صید میکرفتند که ایشانرا کفاف دهد آن اسب را زاد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج کرفتند و اسبان عرب از آن وقت پادید آمدند فی نفائس الفنون محمود الدین اوّل کسی که سوار بر کوی باخت طهمورث بود در مناهج

واول کسیستکه باز بشکار انداخت واول کسیستکه پارسی نوشت واول کسیست که مردمانرا بر اسب سوار کرد واول کسیست که استر پدید کرد اول کسیکه از ملوك دعوی خدائی کرد جمشید بود در مناهج واول کسیستکه دیوان و علم حساب ظاهر گردانید واول کسیست که از آهن سلاح فرمود و پیش ازان سلاح از چوب و سنك داشتندی واول کسیستکه شمشیر فرمود ساختند و اول کسیست که جوشن و خود بنیاد نهاد واول کسیست که زین بر اسبان نهاد واول کسیستکه ابریشم فرمود بافتند و پیش ازان جامها از پشم و پوست ها بود آن می پوشیدند واول کسیستکه بفرمود پنبه کاشتند و برشتند و بافتند واول کسیستکه رنگها در جهان پدید آورد و پیش از وی هیچ رنگی در عالم نبود در ربیع الابرار اول کسیست که منشار بر سرش نهادند اول کسیکه از اصحاب حضرت سید الشهدا ع بمبارزت شهید شد حر بن یزید الریاحی بود در بهار الانوار از عبدالله بن عباس روایت است که اول ما نزل به جبرئیل علی محمد ص قال استعذ با محمد بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ثم قال بسم الله الرحمن الرحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقَ فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اول کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجاج بن یوسف ثقفی بود در زهر الربیع اول کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبینا و آله و

واوّل کسیکه باز بشکار انداخت واوّل کسیکه پارسی نوشت
واوّل کسیست کهٔ مردمانرا بر اسب سوار کرد واوّل کسیست که
استر پدید کرد اوّل کسیکه از ملوك دعوی خدائی کرد جمشید
بود در مناهج واوّل کسیکه دیوان وعلم حساب ظاهر گردانید
واوّل کسیست که از آهن سلاح فرمود وپیش ازان سلاح از چوب
وسنك داشتندی واوّل کسیستکه شمشیر فرمود ساختند و
اوّل کسیست که جوشن وخود بنیاد نهاد واوّل کسیست که زین
براسبان نهاد واوّل کسیستکه ابریشم فرمود بافتند وپیش
ازان جامها از پشم وپوست حیوانات می پوشیدند واوّل
کسیستکه بفرمود پنبه کاشتند وبرشتند وبافتند واوّل
کسیستکه رنگهای جهان پدید آورد وپیش از وی هیچ رنگی در
جهان نبود زکریا ع اوّل کسیست که منشار بر سرش
نهادند اوّل کسیکه از اصحاب حضرت سیّد الشهدا ع
بمبارزت شهید شد حرّ بن یزید الرّیاحی بود در بهار الانوار
از عبدالله بن عبّاس روایت است که اوّل ما نزل به جبرئیل
علی محمّد ص قال استعذ یا محمّد بالله السّمیع العلیم من الشّیطان
الرّجیم ثمّ قال بسم الله الرّحمن الرّحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ
خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ فی نفائس الفنون محمود الدّیلمی اوّل
کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجّاج بن یوسف سقفی بود در
زهر الرّبیع اوّل کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبیّنا وآله و

علیه السّلام بود اوّل کسیکه سر راه بر حسین ع گرفت حرّ بن یزید
الرّیاحی بود در روضة الصّفا بخدمت امام حسین مبادرت
نمود گفت ای قرّة العین البتول اوّل کسیکه بر تو خروج کرد
من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اوّل کسی باشم که پیش تو جان
فدا کرده باشم اوّل کسیکه بضبط عالم و عالمیان پرداخت کیقباد
بود در روضة الصفا اوّل کسیکه ارد ساخت ذوالقرنین بود
اوّل کسیکه عود سوزانید و انواع بخور ساخت خمانی دخت
بهمن بود و اوّل کسیست که غلامان را خصی کرد و خواجه سرا پدید
آورد فی مناهج الطّالبین اوّل خلیفة استخلف سلطان الواثق
بالله هرون قال السّیوطی فی کتابه و فی سبائك الذّهب اوّل
خلیفة ولی الخلافة فی بنیه من بنی العبّاس احمد المستنصر فی
سبائك الذّهب اوّل کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
روز عاشورا علی بن الحسین ع بود که امام عصر عجّل الله فرجه
در زیارت ناحیه میفرماید السّلام علیك یا اوّل قتیل
من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اوّل من تسمّی
ابراهیم ابراهیم علی نبیّنا و آله و علیه السّلام و هو اوّل من
استنشق بالماء و هو اوّل من شاب و هو ابن مائة و خمسین سنة
قیل لمّا اتی علیه ستّة تکلّم و هو اوّل کلامه فقال ع یا امّاه من
ربّی قالت انا قال ع و من ربّك قالت ابوك قال ع و من ربّ
ابی قالت نمرود قال ع و من ربّ نمرود فلطمته و قالت اسکت

وهو اوّل من هاجر من وطنه فی طاعة الله تع حفظاً لایمانه
حین ساله النمرود وهو اوّل من جرّد من ثیابه فی سبیل الله فلذلك
کساه الله تع فی ذلك المحل قمیصاً من الجنّة اوّل کسیکه نامیده شد
موسی موسی علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود پس از آنکه آسیه
یافت او را و نام او را موسی نهاد و بلغة عبری موشه است زیرا
که یافت او را میان آب و درخت و مو در لغة عبری ماء است
و سو و شه و سا در لغة عبری شجر است اوّل من سمّی محمّداً و احمد رسول
الله صلی الله علیه واله و اوّل عین نظر الی الله عزّ وجلّ هو النبی
وهو اوّل الانبیاء فی الخلق و آخرهم فی البعث فی نزهة النواظر
اوّل نذیر من الشرك النبی ع قال السیّد مؤمن الشافعی فی
نور الابصار فی ذکر النبی صلی الله علیه واله وامنائه ومنهم
باذان بن ساسان من ولد بهرام جور عامل الیمن وهو اوّل امیر
فی الاسلام علی الیمن وهو اوّل من اسلم من ملوك العجم وفیه لم
یتزوّج علیّ علی فاطمة حتی ماتت وکانت اوّل ازواجه قال
ابن عبّاس لیس آیة من کتاب الله تع یا ایّها الّذین آمنوا الّا و
علیّ اوّلها وامیرها وشریفها فی نور الابصار الشّافعی ابان بن
عثمان عند العایشة فی حرب الجمل فقتل وکان اوّل من
انهزم اوّل من اذن لرسول الله صلی الله علیه واله بلال
بن رباح ولم یؤذن بعده لاحد من الخلفاء الّا عمر لما فتح
الشّام اذن بلال فتذکّروا النّاس النبی فبکوا بکاءً شدیداً فی

نور الابصار السيد مؤمن الشلبنجي الشافعي اول من ملك من آل عثمان في ممالك الروم الامير عثمان الغازي بن الامير ارطغرل بن سليمان شاه في اخبار الدول وكان السلطان اورخان بن السلطان عثمان خان بني بازنيق جامعا ومدرسة وهي اول مدرسة بنيت في الدولة العثمانية انتهى اخبار الدول ابي جعفر المنصور عبد الله بن محمد العباسي اول ما فعل ان قتل ابا مسلم الخراساني وهو اول خليفة المنجمين وعمل باحكام النجوم وهو اول خليفة ترجمت له الكتب السريانية والاعجمية بالعربية ككتاب كليلة ودمنة واقليدس وهو اول من رخم الحجر قال صاحب تاريخ الدول قرماني وفي سنة ثمان وخمسين ومائة شكى الناس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل التي حوله حتى زاد فيه وعمر مسجد الخيف بمنى ورخم الحجر وهو اول من رخمه محمد المهدي امر بعمارة طريق مكة وقصر المنابر وصيرها على مقدار منبر رسول الله صلعم وهو اول من جهز القصر وعينه لاهل الحرمين محمد ابو عبد الله بن المتوكل وهو اول خليفة احدث الركوب بحلية الذهب وكان الخلفاء قبله يركبون بالحلية الخفيفة من الفضة اول من ملك منهم بالمغرب ابو محمد عبيد الله المهدي اول من ضرب على الخمر ثمانين جلدة وهو اول من حرم المتعة وهو اول من نهى عن بيع امهات الاولاد وهو اول من جمع الناس في صلوة الجنائز على اربع تكبيرات وهو

اوّل من نصب القضاة فی الامصار فی اخبار الدّول واخرج
البخاری فی تاریخه عن ابن المسیّب قال اوّل من کتب التاریخ عمر
بن الخطّاب بسنتین ونصف من خلافته فکتب لستّة عشرة من
الهجرة بمشورة علیّ ع واخرج بن سعد عن شدّاد قال کان اوّل
کلام تکلّم به عمر حین ولی الخلافه وصعد المنبر ان قال اللّهمّ
انّی شدید فلیّنی انّی ضعیف فقوّنی وانّی بخیل فسخّنی اوّل
المهاجرین عثمان فی اخبار الأوّل اوّل من کتب باسمک اللّهم
امیّة بن الصّلت الثقفی فی تاریخ الدّول انّ اوّل من سکن الارض
امة یقال لهم الجنّ والبنّ نزل علی ادم عشرین صحیفة عشرین ورقة
وهی حروف المعجم وهی اوّل کتاب فی الدّنیا فی تاریخ الدّول اوّل
شیء اکله ادم فی الجنّة العنب واخر شیء اکله قبل الخروج من الجنّة العنب
فی تاریخ الدّول اوّل من کتب بالعربیة فی عهده نضحم بن ارم
بن سام بن نوح علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود فی مسائل
الذّهب اوّل ملوک کیانیه ایران کیقباد فی اخبار الدّول واثار
الأوّل اوّل من اتخذ انواع الاطعمه وقسم الغنایم علی جیوشه
هوزاب بن طهماسب فی اخبار الدّول اوّل من نظر فی علوم
النّجوم والحساب ادریس علی نبیّنا واله وعلیه السّلام وهو
اوّل من سبی من ولد قابیل بن ادم ع فاسترقهم فی تاریخ ابن
اثیر وحضرت ادریس اوّل کسیست که خطّ نوشت در تاریخ ابن
اثیر وانچه در مناهج جار الله العلامه است باری تعالی کتب

سماوی سی صحیفه بود و فرستاده هم را بخط خود نوشت و اوّل
کسیکه رسم جهاد و غزا نهاد در راه خدا و در تقویت شرع شمشیر
زدن مناهج الطالبین و اوّل کسیکه جامه دوزی کرد برای
بنی آدم در حدیث آمده که او هر دوزی تسبیح میگفت و پیش از
وی کسی جامه بریختن و دوختن ندانستی پوست چهارپایان
بر قامت راست کردی و در خویشتن بستندی و پیراهن و زیر
جامه را آن جناب ساز کرد مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه
فرمود ای پسر عباس اوّل سخنیکه حق تعالی با من گفت این بود
که فرمود ای محمد نظر کن بزیر خود چون نظر کردم دیدم که حجابها
شکافته شد و درهای آسمان گشوده شد الخ اوّل کسیکه قرآن
را جمع کرد و ترتیب داد و نوشت امیر المؤمنین علی ع بود در حق
الیقین اوّل کسیکه وضع لغت و خط عربی کرد اسمعیل ع
بود در نفائس الفنون اوّل کسیکه در ترکیب اغذیه و تدبیر
ادویه مستحدثات بدیع اند ومنت مریاد که اوّل سلاطین
عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ وغیره و اوّل کسیکه پشم
از گوسفند باز کردن آموخت اوّل کسیکه علم فال بینی که
مانند رمل چیزیست اختراع کرد اوّل از طبقه دوم جین
قبل از هبوط آدم بود در ناسخ و در باب رمل چند کتب انشاء
کرده و مرتب داشت و اوّل کسیست که شیوهٔ زنا شوئی و
زفاف بمیان آورد و اوّل کسیکه برای صید ها دام ساخت

اوّل کسیکه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین ع بود که ابا اسود دئلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السلم حضرت رقعه بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرّحمن الرّحیم الکلمة ثلثة
اشیاء اسم وفعل وحرف جاء لمعنی فالاسم ما انبأ عن المسمّی و
الفعل ما انبأ عن حرکة مسمّی والحرف ما اوجد معنی فی غیره
ابو الاسود کفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکو را چکنم با او بدرستی
که من نمیدانم فائده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود
من شنیده ام در بلاد شما لحن بسیار فاحش را دوست دارم که نوشته
بنویسم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
این جماعت ابو الأسود کفت وفّقنا بربک یا امیر المؤمنین للصواب
فی زهر الربیع للسیّد نعمة الله الجزائری از آل جبیر یکی قوم هود را بر وقوع
عذاب شریف و تنبیه کرد باد بود که زنهای ایشان را که نگاه
کردند و مردان و کودکان و چهارپایان را در ربودند که در هوا
بین الأرض والسّماء پرواز کردند و باد سنگهای را از زمین
بهوا پران می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد و هلاک می
کرد در مناهج الطّالبین اوّل کسیکه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن اثیر ومناهج وغیره است قابیل چون
هابیل را بکشت ابلیس بیامد و کفت دانی که آتش چرا قربانی
برادر ترا قبول کرد و از آن تو را نه قابیل کفت نمیدانم کفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجده کن

تا از تو خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قابیل بقول
شیطان رجیم عمل کرد اول سخنی که هوشنگ در جلوس سلطنت
گفت این بود که ما بخدائیم خوشنود و پر خشمیم از برای بنی آدم
و شیطان و اول کسیکه ملقب به پیشداد شد در مناهج که
از غایت معدلتش باین لقب خوانده شد و اول کسیکه فرش و
زیلو و قال بر زمین انداخت و اول کسیست که بر تخت جلوس کرد
پیش از آن شاهان را این رسم و آئین نبود در مناهج و اول کسی
است که مردم را بر شتر سوار کرد علامه مجلسی باسانید معتبره بسیار
نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از
حضرت رسول خدا پرسیدند که بچه سبب تو سبقت
گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه
مبعوث شدی فرمود زیرا که من اول کسی بودم که اقرار به
پروردگار خود کردم و اول کسیکه جواب گفت در وقتیکه
حق تعالی میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان
را بر نفسهای ایشان که گفت أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ یعنی آیا نیستم من پروردگار
شما گفتند بلی پس اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت
گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اول کسیکه روز
عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در
زیارت ناحیه اگر خوانده باشی آقا میفرماید و کنت اول من
شری نفسه و اول شهید شهد الله وقضی نحبه اول کسیکه

سنت نهاد دو رکعت نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از
یکی از اصحاب سیّد مختار بود عن ابوهریره اوّل من سنّ الرکعتین
عند القتل لانه قتل صبرا خبیب در غزوه رجیع اسیر گشت بمکّه
آوردند منافقان فروختند او را دختر حارث بن عامر بصد شتر
خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم البدر بود شهید
نماید در ناسخ اوّل کسیکه گفت انا لله وانّا الیه راجعون
امیرالمؤمنین علیه السّلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیّار
پس از آنکه خبر قتل جعفر بن ابیطالب بامیرالمؤمنین علیه السّلام رسید
فرمود انا لله الخ و در [illegible] و در تفسیر الثقلین از میر محمّد
صادق موسوی خوانساری آمده در حدیث است که بَشِّرِ
الصّابِرِیْنَ در حقّ امیرالمؤمنین علیه السّلام است که چون خبر
شهادت برادرش جعفر را از موته آوردند حضرت فرمود اِنّا
لِلّٰهِ وانّا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیرالمؤمنین این
کلمات را نگفته بود حق تعالی فرمود من این را سنّت کردم تا بعد
از وی هر مصیبت زده که اقتداء بوی کند من صلوات و
رحمت نامتناهی باو کرامت فرمایم عبدالله بن عبّاس گفت که
اوّل چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اوّل کلمه
که قلم بفرمان حضرت باری تعالی بر لوح نوشت این بود بسم الله
الرحمن الرحیم انّی انا الله لا اله الّا انا و محمّد صلّی الله علیه و آله
رسولی من استسلم بقضائی و صبر علی بلائی و شکر علی نعمائی

ورضی بحکمی بعثته یوم القیامة مع الصدیقین ومن لم یرض
بقضائی ولم یصبر علی بلائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یرض بحکمی
فلیتخذ الها سوائی بعد از ان انچه در علم الله مقدر بود در شان
مخلوقات تا روز قیامت قلم بحکم الله بر صفحات لوح ثبت کردانید
اوّل خونی که بر زمین ریخت خون هابیل بوده در ان روز ربع
مردم کشته شدند قاله المجلسی فی حیوة القلوب اوّل من
کتب الشرح الموزج من اصحابنا هو الشهید الثانی ره فی روضات
الجنات مؤلف این وجیزه کوید که اوّل کسیکه شرح مزجی
نوشت از علمای امامیه خواجه نصیر الدین طوسی بود واکنون
ان شرح حاضر است کویا بنظر مصنف روضات نرسیده باشد
اوّل کسیکه در جهان خطبه خواند کیومرث بود چون
مملکت او را مسلم شد بهر شهری که رسیدی خطبه کردی
وخدای جل جلاله را حمد وثنا کفتی در مناهج الطالبین
مؤلف کوید خطبه شهر ابلسان سریانی املا کرد بزبان
عربی این الفاظ امنت الحمد لله الذی من علینا بکرامته واصطفی
بدینه وامانته احمده علی الائه ونشکره علی نعماء الذی علی
انبیائه یقول دعوته وشمول نعمته عباد الله انتبهوا من
نومته الغفول واستقیظوا من رقطة الذهول وانظروا
العیون الاعتبار الی ما صبت من البوار علی یفات زمانکم
والمجاهرین بالعصیان جمعوا للدارین من البغی والخسار

حتی

حتی ابتلاهم الله بحرّ السیف وحرّ النار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اوّل منجنیقی که در
دنیا ساخته شد منجنیقی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند در شهری
که او را کوثا میگویند در قریه که او را قطانا مینامند و شیطان
او را ساخت و چون ابراهیم را در منجنیق نهادند و خواستند که
باتش اندازند جبرئیل آمد و گفت السلام علیك یا ابراهیم
ورحمة الله وبرکاته آیا تو را حاجتی هست گفت امّا الیك
فلا بتو حاجتی ندارم پس در آن وقت ایزد منّان ندا کرد باتش
که سرد باش در حیوة التقرب اوّل کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید آمد و حال آنکه پیش از آن بیاض در لحیه
افراد انسان ظاهر نگشته بود چون پدید آمد ابراهیم مضطرب
گشت حقیقت آن حال را از بارگاه احدیت سؤال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که بتو ارزانی داشتیم آن
حضرت مسرور گشت گفت اللّهمّ زدنی وقارا و اوّل پیغمبری
است که در راه خدا هجرت فرمود اوّل کسی را که روز جزا حلّه
خواهند پوشانید آن جناب خواهد بود و اوّل کسیست که
قتال بشمشیر کرد و قسمت غنیمت نمود و اوّل کسیست که سفره
ضیافت گسترد و اوّل کسیستکه مسواک کرد و اوّل کسیستکه
قطع موی لب کرد و اوّل کسیست که مضمضه و استنشاق
کرد و اوّل کسیست که فرق موی کند و موی بغل ستردن

آنه نمود و اوّل کسیست که ناخن چید و استنجا باب و پوشیدن
سراویل بیاموخت و اوّل کسیست که ختنه کرد در سبائك الذهب
وهو اوّل من صافح سائق فی سبائك اوّل کسیکه از مردان برسول
خدا صلعم ایمان آورد و بنبوّت او اقرار کرد علی بن ابیطالب علیه السّلام
بود در ینبوع القلوب و اوّل کسیکه از زنان بحضرت سیّد
انبیاء ایمان آورد و جمیع مال خود را در رضای او صرف کرد
خدیجه مجلّله بود اوّل جماعتیکه پیش از همه محشر این
که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
حواریّون محمّد بن علی و امام حسن ع و امام حسین ع و علی بن
الحسین و امام محمّد باقر و امام جعفر صادق می باشند در
بحار اوّل روز همین روز است که در او آفتاب طلوع کرده است
و باد هائی [illegible] کنند در نعمتان وزیده است وگلهای زمین
و شکوفهها از درختان [illegible] است در زاد المعاد اوّل کسیکه بعربی
تکلّم نمود [illegible] اسمعیل بود در حبیب السّیر امّا اکثر اهل
تحقیق گفته اند اوّل من تکلّم بالعربیّة یعرب بن قحطان بن
هود کما ثبت مؤلّف گوید بر ارباب دانش مکشوف باد که
تفریق بین الرّوایتین بدین طریق ممکن است که بگوئیم
اوّل کسیکه از اهل یمن بعربی تکلّم نمود یعرب بن قحطان بود
و اوّل کسیکه از متوطّنان مکّه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
ذبیح الله بود اوّل کسیکه دار کشید و قطع اعضا کرد ضحّاك

ماردوش بود فی اخبار الدول واوّل کسیستکه مثله کرد وکوش
وبینی را برید واوّل کسیست که تازیانه زد فی ناسخ التّواریخ
و اوّل کسیست که مال مردم را بظلم کرفت فی خزائن اوّل کسیکه
طنبور بساخت قوم لوط بودند اوّل کسیکه خندق ساخت
منوچهر بن ایرج بود وهو اوّل من وضع الدّهقنه وجعل لکلّ
قریة دهقانا فی اخبار الدول اوّل کسیکه قرار داد نافله ماه
رمضان را بجماعت کنند وبشهرها نوشت که چنین کنند
وخانه رویبر ثقفی را سوزانید که نبیذ میفروخت عمر بود واوّل
کسیستکه عسس وشبکردی را اختیار کرد واوّل کسیستکه
تازیانه برای تادیب مردم مقرّر کرد وه میگفتند که تازیانه
ابا عمر مهابتش بیشتر از شمشیر حجاج بود واوّل کسی بود که عمّال
خود را جریمه نمود بنصف اموال ایشان را کرفت مسجد حضرت
رسول صم را خراب کرد وزیاد کرد واز جمله انچه داخل کرد خانهٔ
عبّاس بود اوّل کسیکه سبحان الله کفت جبرئیل بود چون
خدای تعم وی را بیافرید چشمش بر عظمت عرش افتاد کفت
سبحان الله هر که بکوید ثواب جبرئیل یابد در بحر المعانی
اوّل کسیکه الحمد لله کفت ادم علی نبیّنا واله وعلیه السّلام
بود وچون روح بقالب وی در امد پرتو ان بر منظر دماغ
افتاد ادم ع عطسه زد وکفت الحمد لله هر که بکوید از فضل
ادم ع نصیبی یابد واوّل کسیکه لا اله الّا الله کفت نوح ۴

نبی بود که چون طوفان از تنور آمد و نظر نوح بر هیبت و شدت
ان بلا افتاد لا اله الخ گفت هر که بگوید از ثواب نوح علی نبینا
واله و علیه السلام بهره یابد در بحر المعانی اول کسیکه الله
اکبر گفت ابراهیم علیه السلام بود که چون حق تعم کبشی فدای
اسماعیل فرستاد که فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیْمٍ و ابراهیم علیه السلام
کبش را دید گفت اَللهُ اَکْبَرُ هر که بگوید از فیض ابراهیم قسمتی
بوی رسد اول کسیکه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ
گفت حضرت رسالت بود که هر که بگوید شفاعت رسول الله
دریابد در بحر المعانی اول کسیکه برای وی قرعه زدند
مریم بنت عمران بود اول کسیکه بی واسطه ایزد متعال
با او سخن گفت حضرت موسی علی نبینا واله و علیه السلام
بود که متکلم خدا شد اول کسیکه مصافحه کرد در روی
زمین حضرات خلیل الرحمن و ذو القرنین بودند چون مقابل
یکدیگر رسیدند و ابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه
کرد در حیوة القلوب اول کسیکه بجهت اخراج املاک و ضبط
املاک جریدها و حساب مرتب داشت انوشیروان بن قباد
بود و اول کسیست که درخت گل و مرزنجوش از بلاد روم بر
ایران آورد و اول کسیست که جوارش کمونی فرمود ساختند
اول چیزیکه قلم نوشت این بود اَنَا التَّوَّابُ اَتُوْبُ عَلٰی مَنْ تَابَ
اول عضوی از اعضاء آدمی که خدا خلق کرد فرج بود ثم

قال

قال هذا امانتی عندک فلا تضعها الا فی حقها اوّل قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح نجی الله بنا کرد وقتی
که بیرون امد از کشتی وموسوم ساخت او را بثمانین خزائن و
سمیت باسم الثمانین والذین کانوا معه فی السفینه مؤلف
گوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی امده سوق ثمانین
دیهی بوده است در پای کوه جودی که نوح پیغمبر بوقت انکه
از طوفان خلاص شد ساخت وان اوّل مقامی است که بروی
زمین بعد از طوفان ساخته اند واکنون خراب است اوّل
حائطی که بعد از طوفان بروی زمین وضع کردید حائط حرّان
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اوّل کسیکه تعیین ساعات
دوازده کانه کرد نوح ع بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه گفته است ابن عبّاس اوّل کسیکه مسجد بنا کرد
عمّار بن یاسر بود تا در او نماز کذارد اوّل کسیکه خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اوّل درختیکه نوح ع بعد از طوفان
غرس کرد شجره اس بود اوّل ایه که بر خاتم رسل نازل شد
بسم الله الرحمن الرحیم بود اوّل کلمهٔ که حضرت رسول فرمود در
وقتیکه داخل مدینه شد اینست ایها النّاس اطعموا الطّعام
وافشوا السّلام وصلوا الأرحام وصلّوا باللّیل والنّاس نیام
فادخلوا الجنة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنّات اوّل من اتخذ الخصیان

نخاس خدمت معویه اوّل من جعل القضاة الأربعة من کل
مذاهب قاضی القضات الظاهر بیبرس بمصر فی سنة نیف
وسبعین وست مائة ثم جعل ذالک فی الشام وحلب اوّل
کسیکه حفظ کرد قرآن مجید را ابو الأسود الدئلی بود بامر
عبد الملک بن مروان وقیل الحسن البصری اوّل من وضع
الهمزة والتشدید والروم والاشمام الخلیل علیه السلام
اوّل کسیکه تصنیف کرد غریب القرآن را ابو عبیدة معمر بن
المثنی بود که اخذ کرده از اسئله نافع بن الأزرق از ابن عباس
واوّل کسیست که تصنیف کرد غریب الحدیث را وقیل النظر
بن شمیل اوّل کسیکه تصنیف کرد احکام قرآن را امام شافعی
بود اوّل من دوّن الحدیث ابن شهاب الزهری کما ذکره الحافظ
ابو النعیم اوّل من صنّف الحدیث مرتبة علی الأبواب مالک اوّل
کسیکه در علوم الحدیث کرد شعبه بود اوّل کسیکه تکلّم کرد
در مختلف الحدیث وتصنیف ساخت شافعی بود اول من
رتّب انواعه ونوّعه الأنواع المشهورة الان ابن الصلاح فی
مختصره المشهور اوّل کسیکه در مغازی تصنیف کرد
عروة بن الزبیر بود اوّل کسیکه اورا شاهنشاه نام گفتند
عضد الدوله ابو الشجاع فنا خسرو بن حسن من آل بویه
بود واوّل کسیکه بر منابر بغداد بعد از خلیفه نام او
مذکور کردید اوّل کسیکه از نقباء دوازده کانند با حضرت

رسالات بیعت کرد ابو الامامه بود اول کسیکه علم نحو را با
ارشاد و انی امیر المومنین علیه السلام تدوین فرمود ابو الاسود
ظالم بن عمرو الدیلی البصری بود اول کسیکه از صحابه در روز
صفین بدرجه رفیعه شهادت رسید ابو السفاح البجلی بود ابن
داود گوید عبد الله بن علی بن ابی شعبه الحلبی اول کسیست که
از اصحاب حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام کرد در
فقه و حدیث امامیه تصنیف فرمود اول کسیکه در فقه
تصنیف کرد ابو حنیفه بود اول کسی که حدیث کوفیان را در
بلده قم منتشر ساخت شیخ ابراهیم بن هاشم الکوفی القمی بود
اول کسیکه از مجتهدان امامیه با مالک موافقت کرد در
انکه اب قلیل مجرد ملاقات نجاست نجس نمیشود حسن بن
علی بن ابی عقیل العمانی بود اول من قاس امر الدین برأیه
ابلیس اخرجه ابو نعیم فی الحلیة اول کسیکه در علم کلام
تصنیف ساخت ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی و
هو اول من سمی معتزلیا و اول من قال الحق یعرف من وجوه
اربعة کتاب ناطق و خبر مجتمع علیه و حجة عقل و اجماع من
امة اول من صنف فی الأصول الفقه الشافعی با الأجماع
اول من وضع اللغة علی الحروف الخلیل بن احمد بن تمیم
الأزدی البصری و اول کسیستکه اختراع علم عروض کرد
و اوزان میزان شعر ساخت و منشاء اختراع او آن بود که

روزی در بصره در کوچه کازران میگذشت از کوفتن کدین ایشان اوازهای مختلف شنید و با خود گفت که ازاینجا اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نگرفته باشد انگاه علم عروض را بروجهی که درمیان مردم شایع است وضع نمود کذا فی تذکره عبد الله معتز اوّل کسیکه در ولایت قم ساکن شد سعد بن مالك بود در کتاب خلاصة الاقوال علامه مسطور است که علی بن اسمعیل بن شعیب الأسدی الکوفی البصری اوّل کسیست که بر قانون علماء کلام در مذهب اهل بیت کرام تکلم نمود و در ان علم تصنیفی فرمود اوّل من قصد القصائد مهلهل وقیل امرؤ القیس اوّل من نظم الشعر الفارسی ابو العباس بن جیود المروزی واین قول سیوطی است مؤلف گوید دیده شده اوّل من قال الشعر بلغة الفرس هو بهرام جور الملك المشهور حیث قال

منم ان پیل دمان و منم انشر یله | ام من بهرام گور و کنیتم بوجبله

اوّل کسیکه زبان بسخن موزون برگشاد هوشنك دوم پادشاه قدیم عجم بود در مجمع الفصحاء وقیل بل الأول منهم ابو جعفر بن حوض بن سعد بن سمرقندی کان فی سنة ثلثمائة والشعر هذا اهوی کوهی در دشت چگونه رودا یار ندارد بی چگونه رودا اوّل کسیکه بواسطه خوابی که دیده بود از مطالعه اهل کتب اهل سنّت اجتناب ورزید و به

ز او یار ندارد یار بی یار چگونه بودا

بتحصیل علوم حکمت و کلام اشتغال نمود امیر صدر الدین محمد الدشتکی الشیرازی ره بود اوّل کسیکه علم صرف را وضع کرد ابو مسلم معاذ بن المسلم الهرآء النحوی الکوفی بود و اینکه شیخ کافجی گفته که واضع ان معاذ بن جبل بود خطاء است در مجالس المؤمنین اوّل شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس بود منشاء حسد وران استبداد بود برای خود در مقابله نص الهی واستکبار بماده افرینش خود که اتش بود بر ماده افرینش ادم که کل بود حیث قال اَنَا خَیْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِیْ مِنْ نَّارٍ وَّخَلَقْتَهٗ مِنْ طِیْنٍ مؤلف گوید از ائمه طاهرین مرویست که فرمودند سجده و تعظیم برای ما از جهة نور محمّد و ال محمد صلی الله علیه و اله اجمعین بود همه ملائکه سجده کردند و پیشانی مسکنت بر زمین نهادند جز ابلیس که اند تکبّر نمود که خود را برتر از او تصور نمود

بفرمود ایزد که ای بی ادب | چه باشد ترا زین تکبّر سبب
بگفتا کزین کار ناید خوشم | که ادم ز خاك ومن از اتشم
کجا خاك را سجده زاتش خوش است | که اتش بطبع خوش سرکش است

پس بر عارفان معلوم شد شیخ ادیب اریب شاعر معاصر شیخ الرّئیس خراسانی حائری گوید تاکه شد از تارکش تاج تبارك را شرف قول کرمنا بنی ادم شد ادم را خطاب گشت مسجود ملائك ادم خاکی از انك داشت اندر جبهه نور پاك ان والاجناب ورنه بر ادم

ملك در نجد ذا امر عجيب نور وانكه بنا ئ خاك انه شئ عجاب
وايضا اوّل شبهه كه در ملت محمدي عليه واله شرائف
التحيات ظهور نمود زمع بن بطاخ معروف بود ديه
نيز در قابله نضر حضرت رسالت پناهي كه ايتوني بدوات
وقرطاس اكتب لكم كتابا لن تضلوا بعدي يعني بياوريد پيش من
دوات وكاغذ تا از براي شما چيزي بنويسيم كه اگر بان عمل كنيد
هرگز گمراه نشويد اوّل من صنف في البديع وسماه بهذا الاسم
عبد الله بن المعتز اوّل كسيكه تصنيف كرد در معاني بيان
شيخ عبد القاهر جرجاني اوّل كسيكه احداث كرد فلسفه و
حكمت نمود بود در زمان حضرت موسى اوّل من تشهر بالفلسفه
ونسبة اليه الحكمه فلوطرخس بمصر اوّل من تكلم في الروحانيات
وافرد علما اوقليدوس اوّل كسيكه حله را عمارت كرد و در
انجا نزول نمود امير سيف الدوله صدقه بن منصور بن علي
بن مزيد الاسدي اوّل كسيكه قاهره مصر را احداث كرد جوهر
غلام معز الدين الله علوي فاطمي اسماعيلي بود اوّل كسيكه
موصل را احداث نمود راوند بن بيوراسف نام داشت و
نام او در لسان فرس بوار دشير بود ابن مقنع گويند كه اوّل
شهريكه بعد از طوفان نوح بنا كردند وباني آن معلوم نيست
اوّل كسيكه اخراج علم طب كرد ارسطاطاليس بود از اهل
استخر در عهد اردوشير بن دارا بوده اوّل كسيكه وضع كرد علم

طب را

طب را بقراط بود اوّل کسیکه تاریخ نهاد هجرت نبوی را
عمر بن الخطّاب بود بمشورت مولای متقیان امیر المؤمنین
علیه السلام در سال شانزدهم هجرت وهو اوّل من وضع اسم
الدیوان لدفتر یکتب فی اهل الجیش واهل العطیة کما فی القاموس
وکانه توسع فیه بعد ذلك فسمّی اتباع الملوك والامراء والحکّام
الدنیویّه جمیعا باهل دیوان اوّل کسیکه جرجان را بنا کرد
یزید بن مهلب بن صفره بود اوّل کسیکه از سادات عظام
موسویّه در مشهد مقدّس رضوی نقیب شد سید طاهر بود
واز ان وقت تا این زمان نقابت موسویّه در نسل او باقیست
فی مجالس المؤمنین لمولانا القاضی نور الله الحسینی التستری
نوّر الله مرقده اوّل کسیکه در شهر مصر در ترتیب حالات و
مقامات اهل بلد سخن گفت ذوالنّون مصری بود اوّل من
تغنّی ابلیس ثم زمر ثم حدا اورده فی الفردوس عن علی بن ابی
طالب علیه السّلام واوّل من دلّ علی ترکیب الأفلاك و
قدر مسیر الکواکب وکشف عن وجوه تاثیراتها ادریس علیه السلام
ذکره الثعالبی فی لطائف المعارف قلت وفی اخبار الأمامیة
انّ اوّل من وضع علم الرمل واخبر بالملاحم وکتب اختیارات
السّنة هو دانیال علیه السّلام اوّل من زاد فی الکتاب بعد
الحمد لله واسئله ان یصلّی علی محمد صلّی الله علیه واله کان
هرون الرشید اوّل کسیکه حکم بلعن اعدای اهل بیت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی
قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات اوست زیاده
از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف
موجود است اوّل اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب
جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجادله کرد و از مرکب
پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اوّل
من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمک فی
ایام السفاح وکانت قبل ذلک تکتب فی ادراج اوّل من
خلع علی من ولده من اهل الدولة الرشید خلع علی جعفر
البرمکی حین ولده الوزارة اوّل من مات حتف انفه
رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستغنی این
دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

وکان ولی الامر بعد محمد	علی و فی کل المواطن صاحبه
وصی رسول الله حقا و جاره	و اوّل من صلی ولدن جانبه

قال السیوطی اوّل من قال جعلت فداك ابن عمر قیل علی بن
ابیطالب قلت وکلامه ذلك منه ره فی مجالس مخاطبة مع
رسول الله صلی الله علیه و آله کما نقل عن صاحب الکشاف
اوّل کسیکه آجر را پخته کرد هامان بود اوّل کسیکه انصار
را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او کفته علیّ

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی قدس سره العالی ورساله لعنیه از مصنفات اوست زیاده از بیست نفر اصحاب را اسم برده است وآن نسخه در نزد مؤلف موجود است اول اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجادله کرد واز مرکب پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اول من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمک فی ایام السفاح وکانت قبل ذلک تکتب فی ادراج اول من خلع علی من ولد من اهل الدوله الرشید خلع علی جعفر البرمکی حین ولیه الوزارة اول من مات حتف انفه رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستغنی این دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

وکان ولی الامر بعد محمد	علی وفی کل المواطن صاحبه
وصی رسول الله حقا وجاره	واول من صلی ولدن جانبه

قال السیوطی اول من قال جعلت فداک ابن عمر قیل علی بن ابیطالب قلت وکل امر ذلک منه فی مجالس مخاطبته مع رسول الله صلی الله علیه وآله کما نقل عن صاحب الکشاف اول کسیکه اجر را پخته کرد هامان بود اول کسیکه انصار را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او کفته علی

علیه

علیه السّلام در خانه ساکن شده بتعزیر رسول خدا مشغول شد و قرشی دیگر لائق اینکار نیست شیخ ابو جعفر طوسی ره در کتاب امالی از قیس بن سعد روایة نمود قال سمعت علیّ بن ابیطالب علیه السّلام یقول انا اوّل من یجثوی بین یدی الله عزّ وجل یوم القیمة للخصومه یعنی حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که من اوّل کسی خواهم بود که نزد خدای تعالی جهة خصومت مخالفان خود زانو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت علی ع سؤال کرد از اوّل زنیکه دامن خود را بر زمین کشانید فرمود هاجر بود هنگامیکه فرار کرد از دست ساره و سئل عن اوّل من جرّد ذیله من الرجال قال قارون اوّل کسیکه نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسی که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشیر بن سعد بن ثعلبه الخزرجی الانصاری بود در تواریخ الامه اوّل کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد براء بن معرور انصاری بود و اوّل کسیکه رو بکعبه نماز کرد و اوّل کسیکه بثلث مال خود وصیّت نمود اوّل سرے که در اسلام از شهری بشهرے بردند سر عمر بن الحمق الخزاعی ره بود که زیاد از تن جدا ساخت و بنزد معاویه فرستاد اوّل کسیکه خواند در اخر خطبه اِنَّ اللهَ یَأمُرُ بِالعَدْلِ وَالاِحْسانِ الخ عمر بن عبد العزیز بود اوّل کسی

که قرائت کرد در آخر خطبه اِنَّ اللهَ وَمَلآئِکَتَهٗ الخ مهدی عباسی
بود اوّل کسیکه تمنای مرگ کرد یوسف نبی بود قال السیوطی
اوّل من نقل من قبر الی قبر علی بن ابیطالب ع قلت وهو باعتقاده
المخالف لما هو الحق والتحقیق ثم قال اوّل من اتخذ الکیمیا
قارون وهو ایضاً اوّل من لبس الثیاب الحمر من اهل الدنیا
وتبعها کما ذکره الثعالبی اوّل زنیکه رسول خدا تزویج کرد
خدیجه بنت خویلد بود اوّل از پسران آدم صفی الله قابیل
بود اوّل فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء اوّل قضیة
ردت من قضاء رسول الله ع الابنة دعوة معاویة زیاد اخرجه
ابن عساکر عن سعید بن المسیب وغیره واخرج عن عمرو بن نفیجه
قال اوّل ذل دخل علی العرب قتل الحسین علیه السلام و
ادعاء زیاد اوّل هاشمیة ولدت هاشمیة ولدت الهاشمی
امّ علی بن ابیطالب علیه السلام فاطمة بنت اسد اوّل من بنی
السجن فی الاسلام علی بن ابی طالب علیه السلام وکانت
الخلفاء قبله یحبسون فی الدیار اوّل من استخرج الخمر فی زمن
نوح النبی علیه السلام وهو اوّل من اتخذ الکلب للحرسه
اوّل من اتخذ الجار بالجار والولی بالولی مروان بن الحکم
اوّل ذنب عصی الله به الحسد اوّل من اتخذ السلاح وجاهد و
استرق الرقیق ادریس علی نبینا واله وعلیه السلام بود اوّل
من قاتل فی سبیل الله ابراهیم علیه السلام حیث اسر لوط والروم

نمرا ابراهیم حتی استنقذوه منهم وهو اول من عمل القسی کما عن
ابن عباس وعنه ایضا اول من رکب الخیل اسماعیل وکانت
قبل ذالک وحشا اول ما یرفع من هذه الامة الحیاء والامانة
عن النبی انه قال فی زینة المجالس ان اول من سجد الی ادم
من الملائکة سجدة تحیة اسرافیل فکتب الله علی جبهته کل
القران اول من اتخذ المهرجان افریدون فی کامل البهائی
اول من ارتج علیه فی الخطبة عثمان اول من خطب جالسا
حین کثر شحمه وعظم بطنه معاویة اول من استراح فی الخطبة
یوم الجمعة عثمان بن عفان فی کتاب السیوطی وهو اول
من خطب فی العید قبل الصلوة واول من فوض الی اخراج
زکاتهم اول غزوة غزاها رسول الله صلی الله علیه واله
بنفسه غزوة ودان فی صفر من السنة الثانیة قبل بدر و
لم یحصل منها طائل قال الغزالی فی کتاب احیاء العلوم
اول من سن دعوة المبتدعة بالمجادلة الی الحق علی بن ابی
طالب علیه السلام وقد ناظر الملحدة فی مناقضات
القران فی کتاب صراط المستقیم للشیخ نور الدین علی البیاضی
ره قال رسول الله صلی الله علیه واله اول من یاکل من
شجرة طوبی علی بن ابی طالب علیه السلام ایضا فیه قال
علی حین بلغه انه یکذب علی من اکذب علی الله تعالی
انا اول من عبده ام علی رسول الله فانا اول من صدقه ایضا

فیہ عن سلمان قال النبیّ صلّی اللہ علیہ والہ اوّلکم وردوا علی
الحوض اوّلکم اسلاما علیّ بن ابی طالب علیہ السلام ایضا
فیہ عن ابوذر قال النبیّ لعلی صلوات اللہ علیہما انت اوّل من آمن بی
ایضا فیہ عن زید بن ارقم قال اوّل من صلّی مع النبیّ صہ علی
بن ابیطالب علیہ السلام ایضا فیہ قال خزیمہ فی ابیات
اذا نحن بایعنا علیا فحسبنا ابو الحسن مما نخاف من الفتن
الی قولہ واوّل من صلّی مع النّاس کلّہم سوی خیرة النسوان
واللہ ذو المنن ایضا فیہ وقال کعب بن زہیر حمد النبیّ وخیر
النّاس کلّہم فکلّ من واحد بالفخر یفخر صلّی الصلوة مع الامّی
اوّلہم قبل العباد ورب الناس یکفر وقال ربیعہ بن حارث
عند البیعہ ماکنت احسب انّ الامر منصرف عن ہاشم ثمّ عن ابی
حسن الیس اوّل من صلّی لقبلتہم واعلم النّاس بالآثار و
السنن الی قولہ ماذا الذی ردکم عنہ فنعلمہ ہا انّ اوّل
بیعتکم من اوّل الفتن ایضا فیہ قال مالک بن عبادہ
رایت علیا لا ابلت قرنہ اذا ما نماہ ماسر ومن صلا
ہذا وفی الاسلام اوّل سلم واوّل من صلّی وصام وہلا
وایضا فیہ قال زفر بن زید حوطوا علیا واحفظوہ فانہ وصی
وفی الاسلام اوّل اوّل وقال قیس بن سعد بن عبادہ
ہذا علی وابن عم المصطفی اوّل من اجابہ حین دعی ایضا
فیہ عن امّ سلمہ واللہ لقد اسلم علی بن ابیطالب علیہ السلام

اوّل الناس وما كان كافرا روى قتاده عن الحسن انّ على
اوّل من امن وهو ابن خمسة عشر سنة عن على بن ابيطالب عليه السلم
قال اوّل من بغى فى الأرض وجاهر بالمعاصى واستخدم الشياطين
وحويهم فى وجود السحر عنق ام عوج وكان قد انزل الله على ادم
اسماء العظيمة تطيعه بها الشياطين وامر ان يدفعها الى حواسى
لتحرس بها فاغفلتها عنقا وسرقتها واستخدمت بها الشياطين
وتكلمت بشئ من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذلك
حوّا فارسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فهجم عليها
وقتلها وذالك بعد ولادتها عوج بسنين فى كنز اللبيب
لمعاصرنا الأديب الشيخ الفاضل احمد البغدادى دام عمره
اوّل من عاقب بالنار امرء القيس الثانى المعروف بالمحرق
فى كنز اللبيب اوّل من قال الموت دون الجمل الجمل عبد
الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابى العاص بن امية وكان
يقاتل يوم الجمل ويرتجز فى التواريخ اوّل من قال من مال
جعد وجعد غير محمود جعد بن الحصين الحضرمىّ فى المجمع
قال محمّد بن كعب القرظى انّ رسول الله صلّى الله عليه واله
قال انّ اوّل الناس دخولا الجنّة لعبد اسود كذا فى المجمع اوّل من
قال الحديث ذو شجون جنّة بن اد بن طابخة بن الياس بن
مضر قال المفضل اوّل من قال انّ البلاء موكّل بالمنطق
ابو بكر اوّل من قال انّ الصبح قد تمخض وغال الحجة بن حلاج

الأوسی سیّد یثرب اوّل من قال ربّ ذارع لنفسه حاصد سواه امو بن النّضر اوّل من قال ربّ رمیة من غیر رام الحکم بن عبد الیغوث المنقری وکان ارمی اهل زمانه قال المفضّل اوّل من قال ذکّرتنی الطّعن وکنت ناسیا زهیر بن خون الهلالی اوّل من رای اللحیة شیث بن آدم علیه السّلام اوّل من جاهد فی سبیل الله ادریس علیه السّلام وعن عایشه انّ قال رسول الله صلّی الله علیه واله وسلّم اوّل من یلحقنی منکنّ اطولکنّ یدا فکنّا نتطاول بالأیدی حتّی ماتت زینب بنت جحش فقلنا ما هذا الّا من صدقتها وکانت امرأة ذات صنعة بیدها اوّل کسی که گفت این مثل را غثّک خیر من سمین غیرک معن بن عطیة مدحجی بود بسبب انکه در حربی که میان قبیله بنی مذحج وقبیله دیگر از عرب واقع شده بود وبرادر معن روق را با مهتر بنی مذحج اسیر کرده وروق شماتت وبعقل مشهور بود معن برفت وبرادر خود را از ایشان درخواست وباخود بحی رسانید ایشان گفتند سیّد بنی مذحج وشاعر ایشان را در دست خصم بگذاشتی وروق احمق را بخواستی معن گفت غثّک خیر من سمین غیرک در مناهج ونفائس الفنون محمود الدیلمی خیر قلیل وفضحت نفسی گویند اوّل کسیکه این مثل را زد فاقت بود زن مرّة الأسدی واو خوبترین زنان عرب بود چون بجبن فاش شد این مثل زد یعنی این حسن اندك چیزیست ونفس

من

سن بدان رسوا شد فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اوّل
کسیکه این مثل را گفت عش رجبا تری عجبا حارث بن عباد
بود وسبب ان بود که چون پیر شد یکی از زنان او بدخوئی
اغاز کرد حارث او را طلاق داد مردی دیگر او را بخواست زن
در مراعات ان مرد بغایت میکوشید وخوی نیک پیش می
گرفت انمرد پیش حارث نعت وشکر این زن میگفت حارث
این مثل زد فی نفائس الفنون اوّل کسیکه این سخن گفت رسول
خدا صلی الله علیه واله بود که یا خیل الله ارکبی اوّل کسیکه
این سخن را گفت ربیعة بن جواد الأسلمی بود که ساجعل العبد
کربه فی مجمع الامثال الکرمانی اوّل کسیکه این سخن گفت اکثم
بن صیفی بود که من استرعی الذئب ظلم فی مجمع الأمثال اوّل
کسیکه این سخن گفت عامر بن الظرب بود که من طلب شیئا وجد
اوّل کسیکه گفت من عز بز جابر بن رالان از بنی ثعل بود اوّل
کسیکه گفت من یشتری سیفی وهذا اثره حرث بن ظالم بود اوّل
کسیکه این مثل بزد که ما وراءک یا عصام حارث بن عمرو ملک
کنده بود از ممالک عرب فی تاریخ مناهج جار الله الطلالی اوّل
کسیکه این سخن گفت هذه تبلك والبادی ظلم فرزدق شاعر
بود اوّل کسیکه گفت العجب کلّ العجب بین جمادی ورجب
عاصم بن مقشر الضبّی بود اوّل کسیکه گفت فی الصیف ضیّعت
اللبن قول بنت العبد بود که مال ومنال بسیار داشت

از مرد خود طلاق گرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را نمیخواست برفت و شوهر دیگر بکرد زوج اولین
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی می
کرد زن گفت اترکتنی حتی اذا علقت ابیض کالشطن انشات
تطلب وصلنا فی الصیف ضیعت اللبن اول کسیکه گفت اسع
بجدك لا بكدك حاتم عمیر الهمدانی بود اول کسیکه گفت ستر تنك
خداش بن حابس التمیمی بود اول کسیکه گفت ذهب امس بما فی
خنفضم بن عمرو الیربوعی بود اول کسی که این سخن گفت خیر قلیل
وفضحت نفسی زن مره ... بود که خوب تر از وی در زنان
عرب نبود و بحسن و جمال در تمام ... معروف گشت این مثل
بدان زن ... اندك است و نفس من مبارك بدان
رسول الله فی مناهج الطالبین اول کسیکه گفت خالف تذکر
حطیئه ... بود اول کسیکه گفت بوا غیر فی زرع ابو العینا
بود در تاریخ آمده که وقتی ابو العینا از همدان باصفهان آمد
اتفاقا آن روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنك است سنك بیکدیگر میزدند سنکی بر سر ابو العینا
آمد بشکست اشنائی داشت بسی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مهجور با سر شکسته در گوشه مسجدی نشست و پای وی
از خستگی راه آبله کرده بود و گرسنه هم بود باسید آنکه در آن
مسجد از امام یا ماموم بحال او آگه شوند هیچ آفریده ملتفت

او نشد

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح بر بیخوابی کذرانید واز
غایة جوع ارام نداشت روز دیکر برخواست و بنزد اشناء خود مهلب
شتافت که وزیر مملکت بود از ابو العینا پرسید که در کدام روز
بشهر در امدی کفت فی یوم نحس مستمر کفت در کدام ساعت
کفت فی ساعة العسرة کفت کجا فرود امدی کفت بواد غیر ذی زرع
مهلب را حسن جواب او خوش امد و تمامت اسباب او را مهیا
داشت و مرتب فرمود اوّل کسیکه کفت العود حق بان محمد خد[ا]
بن حابس تمیمی بود و حکایت او در کتب امثال مر قوم است که
بر زنی رباب نام عاشق شد امید بوصل او رسید فی نفائس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز دو
شنبه دوازده شب از ربیع الاوّل کذشته بجانب مدینه
رفت و نصف النهار ان روز بود که بقبا امد و در خانه
کلثوم بن هدم فرود امد و تا روز جمعه انجا اقامه فرمود
پس عزم مدینه کرد و در بنی سالم نماز جمعه کذاشت و ان
اوّل صلوة جمعه بود که در اسلام کذاشته شد در مناهج
اوّل کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاِنّی ذاهِبٌ اِلی رَبّی سَیَهْدِیْنِ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً
وَاَلْحِقْنی بِالصّالِحِیْنَ و مراد باین ذهاب هجرتست یعنی از
دار کفر هجرت کنم و در راه رضای تو بیرون روم در مناهج
اوّل جماعتیکه بندای خلیل الرحمن بحج خانه خدا شتافتند

اهالی یمن بودند وایشان ببشر وپیشر بیچ ایند اول کسیکه
زره بافت داود علی نبینا واله وعلیه السلام بود چنانچه خداوند
در قران مجید فرموده وعلّمناه الحدید لداود وهر زره را
چهار هزار درهم بفروختی وطعمه خود وعیال از ان درام مرتب
داشتی وباقی را بصدقه دادی وهرگز ذخیره نهادی وفقراء
ومساکین را خوش داشتی در تاریخ واوّل کسیکه زنبیل بافت
وبعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب للمسعودی الشیعی
اوّل کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
عبد المطلب بود در مناهج اوّل کسیکه ملة حنیفیه را تغیر داد
واصنام را وثان در حوالی کعبه نهاد عمیر وبن لحا بود در اثار
امده که رسول خدا فرمود که شب معراج عمیر وبن لحا را دیدم
که در میان اتش دوزخ اورا می کشیدند پرسیدم که با تو
دیگری هست گفت هرکه متابعت من کرد تا ظهور نبوة تو با من
قرین خواهد بود در مناهج الطالبین اوّل کسیکه جهة هدیه
بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
الهلالی واوّل کسیکه بعد از طوفان نوح وهدم ومحو اثار
کعبه ارکان انرا پدید اورد وبر خلق ظاهر گردانید واوّل
کسیکه از اولاد ان مضر که بعلّة سل وفات کرد او بود
اوّل کسیکه بعد از رسول وفات کرد وبدو پیوست زینب
بنت جحش زوجه ان جناب بود اوّل کسیکه در سقیفه

ابوبکر

با ابوبکر بیعت کرد بشر بن سعد بود در ناسخ التواریخ است اول
سریکه حمل شد در اسلام و نقل از بلد ببلد دیگر شد سر محمد بن
ابی بکر بود اگر صحیح باشد حملش بسوی معاویه مؤلف گوید
در احادیث شیعه آن سر سر عمرو بن الحمق الخزاعی است که از
اصحاب سید الاوصیاء علی علیه السّلام بود چنانچه گذشت
اوّل کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السّلام بود اوّل
کسیکه عمامه پوشید ذوالقرنین بود و بتحقیق پوشید عمامه
را از سبب قرینه اوّل کلمه که ابراهیم در وقت باتش رفتن
میفرمود حسبی الله و نعم الوکیل اوّل کسیکه بعد از مرگ
سخن گفت هارون وصی موسی بود چون هارون رفت
یافت بنی اسرائیل تهمه ساختند موسی را که او هارون را
کشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
خدا املها رابرات آنحضرت موسی از آنکه امر فرمود ملائکه را
که هارون را مرده آوردند و بر مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
وگفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او واین
وجه از حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین علیه السّلام
منقول است و در روایت دیگر آنستکه موسی بر سر قبر هارون
آمد و ندا در داد و هارون بامر حقتعالی از قبر بیرون آمد
وگفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر غیر
نبی بود اوّل معجزه که در حضرت رسول خدا ص ظاهر گشت سایه

انداخت او بود بر سر آنحضرت در حیوة القلوب اول کسیکه
کتب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معویه بود فی زهر
الربیع در حدیث است که چرا روز عید فطر را عید قرار داده
شد زیرا که از برای مسلمانان اجماعی است که جمع می شوند در
آن روز پس حمد میکنند خدا را بر آنچه منت گذاشته است بر
ایشان و بجهة آن روز اول سال است که در او اکل و شرب
حلال است بجهة آنکه اول سال نزد اهل حق شهر رمضان
است که شهر رمضان اول شهور است نزد رسول خدا هم
چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین
فیض کاشی قدس سره تصریح که در اسلام شد خلاف است
و شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب ره در معالم العلماء که نسخه
از آن کتاب در نزد مؤلف هست از غزالی شافعی نقل کرده
که اول کتاب ابن جریج است در آثار و حروف التفاسیر از
مجاهد و عطار در مکه پس کتاب محمد بن راشد صنعانی در یمن
پس کتاب موطاء مالک در مدینه پس جامع سفیان ثوری
بعد فرمودند بلکه اصح از آنستکه اول کتاب امیر المؤمنین
و بعد سلمان پس ابوذر پس اصبغ بناته پس عبد الله بن ابی
رافع پس صحیفه کامله و ابن جریج مذکور عبد الملک بن
عبد العزیز بصری است که در سال صد و پنجاه و پنج وفات
کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب و الفنون دیده

شده است که از بعضی نقل که اوّل تصنیف سعید بن ابی عروبه است که در سنه ۱۵۶ وفات کرد و بعضی گفته اند ربیع بن صبیح است که در سال صد و شصت وفات کرده بعد سفیان بن عیینه و مالك بن انس در مدینه و عبد الله بن وهب در مصر و معمر و عبد الرزاق در یمن و سفیان ثوری و محمد بن فضیل بن ذکوان در کوفه و حماد بن سلمه و روح بن عباده در بصره و هشیم در واسط و عبد الله بن مبارک در خراسان اوّل کسیکه داخل خانه کعبه شد در زمان جاهلیت رسول خدا بود که چون قریش کعبه را در جاهلیت خراب کردند و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که شخصی از ایشان گفت که هر یك از شما باید که پاکیزه ترین مال خود بیاورید و نیاورید مالیرا که از قطع رحم یا حرام دیگر بهم رسانیده باشید چون چنین کردند مانع برطرف شد و متمکن گردیدند از ساختن آن پس شروع کردند در بناء تا آنکه بموضع حجر الأسود رسیدند پس منازعه کردند که کدام یك حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیك شد که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم هر که اوّل از در مسجد الحرام درآید پس اوّل کسیکه داخل شد حضرت رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم بود چون بنزد ایشان آمد و حقیقت حال خود را بعرض رسانیدند آن

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت
و در میان جامه گذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای
جامه را گرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جای
خود گذاشت و حق تعالی او را باین کرامت مخصوص گردانید در
سبائك الذهب اصحاب حواریه گویند که اوّل روز یکشنبه
که اوّل دنیا است در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه از اولاد آدم اسمعیل
نبی الله علیه السلام کتاب اموخت و ۲۴ نوع خط بنوشتی اردب
همیسع بود در مظاهر الانوار اوّل کسیکه چهار نائب بر ربع
مسکون تعیین کرد کمرکت و شهریت او را ازدواج دادند در تفسیر
نبی است اوّل زنیکه حائض گشت حوا ما در ادمیان بود و ان
روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه اختراع
کیوم کرد که موزه ایست معروف کیومرث گودرز بود در فرهنگ
انجمن اراء مسطور است که در سفر ترکستان که بر طلب
کیخسرو رفته بود و چند سال در ان بیابان میگشت و ان
موزه بود زیران چرم و روی ان ریسمان اکنون تکمیل یافته
متداول است و بهترین ان کیوه سپکانی است و سپکان دهی است
از اصفهان اوّل شهریکه در اراضی بلخ بنا گشت شهر پشنک است
در تاریخ هرات اوّل کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان
لعین بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسیکه متلفظ شد به
کلمه لَا حُکْمَ اِلَّا الله بُرُك بن عبد الله تمیمی بود در کتاب شرح ارشاد

مفید

مفید ره موسوم بتحفهٔ سلیمانی مؤلف گوید که این بزرگ ناش
حجاج است وکسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند
و با ابن ملجم و عمر بن بکر هر سه هم عهد شدند در باب قتل سه تن وقصه
انها مشهور است اوّل کسیکه پارسی گفت پارس بن هوشنک
بن سیامک پیشدادی بود در تاریخ در فرهنک انجمن آرای
ناصری آمده اوّل کسی که کلاه درویشی ساخت که چندین
ترک دارد شیخ صفی الدین شاه اسمعیل صفوی او رحمة الله
علیه بود که شاه اسمعیل صفوی مروج طریقه اثنی عشری
برای تمیز این طبقه از دیگران از ماهوت سرخ کلاه دوازده
ترک دوختن فرموده بود و در هر ترکی نام یکی از ائمه اثنی عشری
دوخته و این اعلا خلعتی و اشرفی بود که به بزرگان شیعی داده
شده است اوّل کسیکه در مکه کاغذ ساخت میر اسمعیل نام
کشمیری بود و آن در سنه هشتاد و هشت هجری بود در فرهنک
انجمن آرا اوّل کسیکه حضرت امام حسن عسکری جهة وکالت
حضرت صاحب الأمر علیه السّلام منصوب ساخت عثمان
بن سعید العمری اوّل کسیکه با رسول الله صَ در مسجد نماز
گذاشت امیر المؤمنین علیه السّلام بود در خصائص النسائی
اوّل کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسمعیل
بود که ساره او را ختنه نمود و این مرسوم ماند در نزد مردم
در مآثر سلطان آمده اوّل پادشاهیکه نام خلیفه را از

خطبه بیفکند طاهر ذو الیمینین بود اوّل کسیکه قرشیت
برای او ثابت شد مالك نضر است زیراکه قریش لقب نضر است
در نفائس الأخبار اوّل کسیکه در حبس منصور دوانقی هلاك
شد عبد الله بن حسن بن حسین بن علیّ بن ابیطالب علیهم السلام بود
اوّل سلاطین عباسیان ابو العبّاس سفّاح بود فی التّواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بعلّة
دوستی امیر المؤمنین علیه السّلام بقتل رسانید و اوّل کسی بود
که درمیان صفا و مروه سواره سعی نمود و اوّل کسی بود که علانیة
شرب خمر میکرد و ساز و سرود بان ملحق ساخت و میان خوردن
اکل و اباحه آن نمود و اوّل کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اوّل کسی بود که سر مسلمانان برای وی بشهر آوردند
و اوّل کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبه بالکاسره
و فراعنه شد و اوّل کسی بود که بموت مسلمانان شماتت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مسطور است که وقتیکه خبر شهادت
امیر المؤمنین ع بان ملعون رسید امر کرد که مردم شام بعیش
و عشرت مشغول شدند و اوّل کسی بود که با مشرکان بی اخذ
جزیه حیلی کرد و اوّل کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
را برقرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هند می
فرستاد که فروخته قیمت انرا از قماش و متاع بیاورند
و انرا تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اوّل

کسی بود

کسی بود که اسیر مسلمانان بفروخت و اول کسی بود که خلاف
در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد
و اول کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و مقصوره
در مسجد ساخت و خواجه سرایان بخدمت خود تخصیص کرد و
اول کسی بود که نشسته میخواند بواسطه سمن و عظم شکم بر پای
نمیتوانست بایستد و اول کسی بود که جسد مسلم را در جوف
شکم خر مرده گذاشت و سوزانند اول کسیکه اخبار را بچهار
قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاوس بود پس علامه حلی
ورا متابعت ورزیدند از علمای اعلام بهمان طریق را مسلوک
داشتند در روضات الجنات للسید العالم الفاضل المعاصر الامیر
محمد باقر الموسوی الخوانساری مد ظله اول از علامات
ظهور حصار شدن دور کوفه است بحصار و خندق و اول
جماعتی را که مختار بن ابی عبیده ثقفی بدست آورد آن ده
تنی بودند که خیول بر بدن شهداء تاختند آورده اند آنجماعت
را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای
آهنین بر پشت و دستها و پاهای ایشان کوفتند و سواران
خود را گفت که بر روی اجساد خبیث ایشان تاختند تا قطعه
قطعه شدند پس از این ایشان را باتش سوزانیدند اول کسیکه
با ابوبکر بیعت کرد شیطان ملعون بود اول فرجی که از
بنی هاشم بغصب گرفته شد ام کلثوم بود دختر امیر المؤمنین

علی علیه السّلام بود که عمر بن خطّاب بزور خطبه کرد مؤلّف گوید
این مطلب را گواهی است فی الحدیث قال الصّادق علیه السّلام
هو اوّل فرج غصب منّا فی کامل البهائی وغیره فاضلی ردّ
کرده است در رساله ردّیه موسومه بارغام اناف الخصوم است
آنچه معلوم میشود از اخبار و تاریخ بدستیاری عبّاس باتمام
رسید بعینه این عقد چون عقد آسیه بنت مزاحم بود با فرعون
اوّل کسیکه با امیر المؤمنین ع بیعت کرد طلحه و زبیر بودند
و بعد بیعت را شکستند اوّل کسیکه غالی شد در حق اسد الله
الغالب علی بن ابیطالب ع نصیری بود فی مفرح الاخبار
اوّل کسیکه نماز بر پیغمبر گذارد خدای عزّ وجلّ در بالای عرش
کبریائی خود بود از آن جبرئیل بعد میکائیل و اسرافیل و
ملائکه مقرّبین و امیر المؤمنین علیه السّلام اوّل دفعه که
پیغمبر صلّی الله علیه وآله بیعت امیر المؤمنین علیه السّلام
را از انصار و خلفاء گرفت در دار الندوه که موضع شوری
بود دوّم در بیعت رضوان در زیر درخت در سال حدیبیه
سوّم در روزیکه نشسته بود در خانه امّ سلمه چهارم در غدیر
خم اوّل کتابی که در حدیث ساخته اند موطّاء مالک
بود و شافعی گوید ما اعلم شیئاً بعد کتاب الله اصحّ من موطّاء
مالک اوّل کسیکه در علم درایه تصنیف کرد ابن حجر مکّی
بود در روضات الجنّات اوّل نامهای کلام الله المجید

قران است در نفائس الفنون اوّل کسیکه بسنگ مقناطیس
رسید وبخاصیّت او علم بهم رسانید حکیم دانشمند باهوش
مستر کلمبس بود وی مردم جزیرة العرب وبلغت عربی وتمامی
السن مردم فرنگ عالم وصاحب عزم بلند بود موجب
فنون ریاضی وهندسی بطریقه فرنگ اوست از مقناطیس
قطب نما بساخت وبجهات عالم آگهی یافت که در روشنی و
تاریکی روز یا شب در دریا وخشکی بهر سمت که خواسته باشد
رسد وجهاز با این دستگاه واسباب آن بنحویکه رواج
دارد از نتایج افکار آن وحید عصر است در کتاب تحفة
العالم سیّد عبد اللّطیف خان نجل سیّد نعمت الله جزائری
شوشتری مؤلّف گوید این حکیم جلیل اوّل کسیست که عالم
دیگر را که او را ینگی دنیا وامریکا نامند ظاهر واشکار کرد
اوّل کسیکه دست بیعت شاهی بر ام کورد را ورد خسرو
کسری بود که مدّعی سلطنت بود در منتخب الحکایات
اوّل کسیکه حضرت قائم آل محمّد را شست رضوان خازن
بهشت بود با جمعی از ملائکه مقرّبین که او را باب کوثر و
سلسبیل شستند بعد از ان شست او را حلیمه خواتون
دختر حضرت امام محمّد بن علی الرّضا علیهما السّلام در نجم
الثّاقب العلّامة النّوری مدّ ظلّه اوّل کسیکه نسب آل
ابی طالب را جمع کرد سیّد یحیی نسّابه است صاحب کتاب

انساب آل ابی طالب واز معروفین و رواة است واوجد عالم
جلیل سیّد حسن بن شدقم مدنی است فی نجم الثاقب
للفقیه النبیه العالم العامل الکامل المولانا الجلیل حاج میرزا
محمّد حسین نوری طبرسی نور الله قلبه اوّل کشته که از خون او
بازخواست میشود محسن در خون طپیده فرزند فاطمه زهرا
سلام الله علیها است در رساله شیخ عارف احمد احسائی اوّل
آیه که در قتال آمد این بود ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ
الخ﴾ فی جواهر التفسیر لملا محمّد المدعو بمحسن الکاشانی در دعای
لعن آمده ﴿اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ
تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ﴾ اوّل کسیکه بقتل جبر در اسلام رفتار کرد
وعبد الرحمن بن حسان در محبّت امیر المؤمنین علیه السلام
بروایت ابن اثیر وابن خلدون زنده دفن کرد عبید الله بن زیاد
بود واوّل کسیکه ولایت عراقین کرد واوّل کسیکه سبّ
علی بن ابیطالب علیه السلام را در عراقین تشیید وترویج داد
پیغمبر اکرم ص فرمود یا علی اوّل کسیکه سر از زمین بر میدارد
محمّد ص است بعد تو واوّل کسیکه پوشیده میشود محمّد است
بعد تو پس امیر المؤمنین علیه السلام بر روی زمین افتاد و
سجده حق بجای آورد وحمد کرد فی مناقب موفق الدین الخوارزمی
المکی اوّل کسیکه یحیی نامیده شد یحیی ع بن زکریا بود وقال
الله تبارک وتعالی ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ

لَهُ مِنْ﴾

له من قبل سميّا اوّل نبى نبأ الله بعد ادريس نوح عليه السلام
وهو اوّل نبى نسخت شريعة آدم على نبيّنا وآله وعليه السلام
وهو اوّل نذير من الشرك لاهل الأرض وهو من اولوا العزم
وهو اوّل نبى عذّبت امته بدعوته اوّل هاشميّة ولدت هاشميّ
فاطمة بنت اسد ام امير المؤمنين عليه السلام وجعفر وعقيل
وطالب اوّل من قال جعلت فداك على عليه السلام لما دعى
عمرو بن عبد ود الى البراز والمحاربة يوم الخندق ولم يجبه
احد قال على عليه السلام جعلت فداك يا رسول الله انا له
فقال انه عمرو بن عبد ود قال انا على بن ابى طالب فخرج اليه
فقتله فاخذ الناس منه اوّل من اخذ مال الناس بالظلم
الضحاك اوّل من سمّى عبد الملك فى الاسلام عبد الملك
بن مروان اوّل من غزل حوّا غزلت صوف الضأن ونسج
آدم جبة لنفسه ودرعا وخمارا لحوا اوّل من وضع البقول
فى الخوان كيخسرو بن سياوش اوّل من جعل قصعة يشرب الماء
واللبن ونحوهما قينان بن انوش بن شيث بن آدم قال الشيخ
جمال الدين بن النباته اوّل من غنى على العود بالحان الفرس
النضر بن الحرث بن كلدة اوّل من غنى فى الاسلام بالحان الفرس
سعيد بن مسجح اوّل من اتخذ العود بطليموس الحكيم اوّل شبهة
وقعت فى البريّة شبهة ابليس لعنه الله ومصدرها استبداده
بالرأى فى مقابلة النص واختياره الهوى فى مقابلة الامر و

لاستكبار ربالمادة التى خلق منها وهى النار على مادة ادم عليه السلام وهو الطين اول من صلى الجمعة فى البحرين بعد افتتاحها فى الدولة المصطفوية المنتهية الى الشاه سلطان حسين الموسوى الصفوى الحسينى الشيخ محمد بن الحسن رجبل المعابى صلاوالاصاغ منزلا كذا فى لؤلؤة البحرين وروضات الجنات وغيره اول من ترك مطالعة احاديث العامة العمياء من هذه السلسلة العليه الدشتكيه واشتغل بتشييد قواعد الحكمة والكلام على سياق ارباب البصيرة من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحكيم الامير غياث الدين منصور بن الصدر الدين الحسنى الحسينى الشيرازى الدشتكى الاول صاحب مدرسة المنصوريه بالشيراز فى حبيب السير وغيره اول من خلع عليه السواد العالم الصفى السيد الرضى كذا فى عمدة الطالب فى انساب ال ابى طالب اول كسيكه مادرش دختر حضرت امام حسين ع است عبد الله بن محض بن الحسن المثنى وفاطمه طاهره دختر سيد الشهداء زوجه حسن المثنى بن الحسن المجتبى عليه السلام سه پسر داشت اول عبد الله المحض دوم ابراهيم الغمر سوم حسن وابراهيم غمر الحسنى الحسينى جد امجد مؤلف كتاب است وپسر او اسمعيل دیباج است وپسر او ابراهيم ملقب بطباطباء است ونسب اين فقير به سى ودو واسطه بحضرت امام ثانى حسن بن على بن ابى طالب عليهما السلام است وازسلاله طباطباء الحسنى

الحسینی میباشم بدین طریق شجره جمال الدین السید محمد الحائری
مؤلف هذا الکتاب ابن السید العلامه حسین الطباطبائی
الیزدی بن السید مرتضی بن السید احمد بن میر حسین بن
میر سامع بن میر غیاث بن میر محمد مؤمن بن السید نور الدین
بن السید مراد بن الشاه اسدالله بن السید جلال الدین امیر
بن الحسن بن مجد الدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن عباد
بن ابی المکارم بن عباد النسابه بن طاهر المدفون بالخورستان
بن ابی الحسین علی الشاعر بن ابی الحسن محمد النسابه الاصفهانی
المتوفی سنه اثنین وعشرین وثلث مائه بن احمد بن ابی
جعفر محمد بن ابی عبدالله احمد الرئیس بن ابراهیم الملقب
بطباطباء بن اسماعیل الدیباج الاصغر المکنی بابی ابراهیم
الملقب بالشریف الخلاص بن ابراهیم الغمر المتوفی مع اخیه
عبدالله المحض وجمع من السادة فی حبس المنصور بن الحسن
المثنی بن الامام ابی محمد السبط المجتبی ابی محمد الحسن بن الامام
ابی الائمه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام اول
کسیکه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زین العباد علیهما السلام میباشد اول بنائیکه در
ولایت خراسان واقع گشت قصبه فوشنج است در روضة
الصفا اول بقعه که در خراسان ساخته و پرداخته شد
قلعه شمیرانست در روضة الصفا اول کسیکه امر کرد مردم

را بخته کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
مسطور است اول کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد معاویه
بود و اول کسیست که میل بخوردن گل کرد و انرا حلال دانست
فی تذکرة الائمه اول کسیکه بثلث مال وصیت کرد براء
بن معرور انصاری بود و اول کسیست که وصیت در قبر
بجانب قبله قرار داده شود و اول کسیستکه در استنجا استعمال
اب نمود اول الایات طلوع الشمس من مغربها مؤلف گوید
اول ایات قیامت است که پیش از نفخ صور واقع می شود اول
کسیکه اقرار بربوبیت کرد در وقتیکه خدا فرمود الست بربکم
حضرت رسول خدا بود در علل الشرایع از حضرت امام بحق
جعفر الصادق علیه السلام روایت شده که فرمودند از حضرت
پیغمبر پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفتی بر پیغمبران و
از همه بهتر شدی و حال انکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود
که زیرا که اول کسی بودم که اقرار بپروردگار خود کردم و اول
کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت
از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
گفت الست بربکم ایا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس
اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان
در اقرار بخدا اول کسیکه وسمه ساخت هامان بود بجهة
فرعون که ان وسمه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

فرزند

وفریب خورد فرعون از هامان فی تواریخ و زبدة ابتداء وسمه
در زمان فرعون بود بروز و ظهورش از سارود و غارود که
دو برادر بودند گردید تعلیم نمودند جماعتی را در خبری ۱۲
هزار الی سی هزار نوشته اند فی تواریخ السیر اوّل رسولیکه
امت بدعای او هلاك شدند نوح علیه السّلام بود در
روضة الصّفا اوّل نعم طیّب ولادت است در معانی الأخبار
مرویست از حضرت رسول خدا ص که فرمود من احبّنا اهل
البیت فلیحمد الله اوّل النّعم قیل وما اوّل النّعم قال طیب
الولادة ولا یحبّنا الّا من طاب ولادته ولا یبغضنا الّا من
خبث ولادته اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی ان عبادت
نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علی بن
ابیطالب ع منقولست که اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی ان
عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون
خدا امر کرد ملائکه را که ادم را سجده کنند در نجا سجده کردند
در حیوة القلوب و اعتقاد شیخ عارف احمد احسائی انستکه
جنّت اوّل موجود انست چنانچه در شرح و معنی حدیث و
روح القدس فی جنان الصّاغوره ذاق من حدائقنا الباکورة
الخ رجوع نمایند و اعتقاد من بنده انست که جنّت و هرچه در
او است از برکت نور حضرت سیّد الشّهداء ع خلق شده است
محمّد بن جریر طبری گوید اوّل کسیکه با امام حسن علیه السّلم

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده خزرجی انصاری بود
وکفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا وجهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی تاریخ اول کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب ع که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبید الله بن حسن بن عبد الله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب ع بود فی نفائس الفنون آملی اول ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضی عنه
والده فانا منه راض ومن سخط علیه والده فانا علیه ساخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه ان اول الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة واول ما یحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها فی مصابیح القلوب
اول خلیفة من بنی هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائك الذهب اول کسیکه دعوی حضرت نبوی را اجابت
کرد شاه مردان وشیر یزدان بود کفت کمر خدمت را ازان
بر میان بسته ام تا هرچه فرمائی بدان قیام نمایم
من کمر بستم بجان وایستادم منتظر تا چه فرمائی تو ایشه تا بجا من آن کنم
ودر جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود که سبقتکم
الی الاسلام طرا غلاما ما بلغت اوان حلمی درمصابیح خواجه
صلی الله علیه وآله فرمود که میدانید اول کسیکه در بهشت

رود که باشد کفتند خدا و رسولش عالم ترند کفت درویشان
مهاجر که تفرهای مسلمانان بدعاء ایشان دفع کردد در
مصابیح القلوب در خبر است که سیّد رسل چون از سفری
مراجعت میفرمود اوّل بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفته از او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بحبیبش محمد فرمود یا محمّد علیٌ اوّل من اخذت میثاقه من
الاوصیاء وعلی اخر من اقبض روحه من الاوصیاء فی
مصابیح القبر اوّل منزل من منازل الاخره واخر منزل
من منازل الدنیا فی الخبر چون اسلام نو نهاده شد جبرئیل
امد که حق تعالی میفرماید که درهائیکه در مسجد کشاده اید
برآرید جماعتی از اصحاب کفتند همانا ابن خطاب ما باشد
اوّل کسیکه سازان کردکه در برادر علی بن ابیطالب ع
بود خواجه ص بحجره واعلیه درامد وعلی را کفت ای
علی تو از منی ومن از توانت منی وانا منك اوّل من
امن بالبداعبدالمطّلب اوّل ملوك برومیه غالیوس
فی ابن اثیر صیدانی در لغة الثرد والثرید می نویسد فی
الحدیث اوّل من ثرد الثرید ابراهیم واوّل من هشم الثرید
هاشم وکان الفرق بینهما انّ الثرد وفی غیر یابس والهشم
فیه قال الجوهری الهشم کسر الیابس یقال هشم الثرید وبه
سمّی الهاشم فی سامی الناسی اوّل زمینیکه خدای تعالی مامن

خلق قرار داد قبل از آنکه مکه را حرم خود کند زمین کربلا
بود در تاریخ عسکری سیف ذی زن وقتیکه حاضر مجلس
عبد المطلب شد عبد المطلب گفت ای پادشاه دیتب
در ریش تو موهای سفید دیدم کرام و نمیبینم سیف گفت
من خضاب میکنم گویند او اول کسی بود که خضاب کرد در
حیوة القلوب اول کسیکه وضع کرد و مرتب ساخت دائره
تواریخ ولادت و وفات را امیر عبد الجواد رضوی بود در
سنه در وفات یکی از عرفاء هندوستان از انوقت الی
زماننا هذا معمول افتاده خاصه در نزد افاضل هندوستان
ابو الصلت هروی گفت خدمت امام رضاء عرض کردم
که چون حضرت قائم شما خروج کند اول کاریکه میکند
چیست فرمود اول کاریکه میکند قطع میکند دستهای
طائفه بنی شیبه را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
هستند در عیون اخبار الرضا اول کسیکه از درخت
تخته گرفت و خانها را در فرمود ساختند هوشنک بود در
مناهج الطالبین اول کسیکه از ملوک دعوی خدائی
کرد جمشید بود در مناهج اول من یدخل الجنة فاطمه سلام
الله علیها فی انوار الهدایة لملا محسن فاضل یزدی اول
من یلحق بالنبی فی الجنة من اهل بیته فاطمه سلام الله علیها
فی انوار الهدایة لفاضل المذکور و اول کسیکه زیر جامه

پوشید ابراهیم نبیّ بود در انس العالم و در علل الشرایع
از حضرت صادق علیه السّلام مرویست که خداوند وحی
فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهة
حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او
حجابی پس قرار داد چیزیکه بزرکتر از جامه و پست تر از
سراویل بود پس از او پوشید و آن تا زانو هایش بود مؤلف
کوید کاه ازاینست که آن شبان باشد که از زیر جامه کوتاه تر
و از زانو چهار انکشت بلند تر و اکثر ملاحان کشتی
بهم میپوشند و همین ستر عورت را میکنند اوّل کسیکه
بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی روضة
المجاهدین اوّل کسیکه امر کرد بقطع دست فرعون بود
وقتیکه سحره ایمان بموسی آوردند فرعون کفت سزا دهم
شما را و آن اینست لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ
وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ فی زبدة التصانیف اوّل ما انزل القمح
علی آدم کان قدر بیض النعام وقیل له هذا رزقك ورزق
نبیك قمر فاحرث وازرع ولم تزل الحب علی ذالك ثمّ نزل
علی قدر بیض الدجاج ثمّ الی الحمامة ثمّ الی البندق وکان
فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر الحمصة فی حیوة الحیوان
للدمیری وقال ایضاً اوّل من زرع حبة الحنطة آدم علی
نبینا وآله وعلیه السّلام وورد فی الخبر ان الله تع انزل

خلق آدم ثورا احمر او بقرة حمراء فحرث طما فاتاه جبرئیل بثلاث حبات من الحنطة فدفعها آدم علیه السلام حتی حرث فقطعا بثر زدتیها او نثر نخالیها فنبت الشعیر فلما بقیت البقر تان بالحراثة الخ قال بعض العرفاء منه شیخ عزیز النسفی قال رسول الله اول ما خلق الله العشق اول ایام عجوز بیست وششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاك کرد عجوزی از ایشان بماند و بر ایشان نوحه کردی و مرثیه گفتی بدان سبب آن ایام را عجوز گویند و عجز بحسب لغة آخر را گویند و این ایام را بتوسعه آن عجوز گویند که آخر زمستان است و نوروز اول روزیست که آفتاب ببرج حمل رسد و در انوار النعمانیة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرد اول کسیکه پادشاه شد کیومرث بود بنابه اشاره شد و کیومرث لفظی است سریانی بمعنای عربی حی ناطق و بفارسی زنده گویا باشد و بعضی کیومرز دانند کیو بمعنی بزرگ و مرز یعنی زمین و در روضة الصفا هست چون قبل از تصدی او بمراسم ایالت و سروری انواع جور و تعدی و هرج و مرج واحوال ساکنان ربع مسکون راه یافت طائفه از عقلا و اشراف در باب دفع ظالم و بیداد اندیشه تمام بجای آوردند انتظام عالم و مشق و ترفیه احوال بنی

آدم را بوجود مدبری ذو آنست از مرزبان دهر و فرمان
یافتند که ذات پسندیده سماتش به پیرایه نعمت و عدالت
آراسته بود تا طبقات رعایا بلکه قاطبه برایا از آسیب تعدی اهل تمرد
وطغیان سالم مانده در مهد استراحت مرفه و آسوده زندگانی کنند بنابر استدعا
واستشاره قرعه اختیار بنام کیومرث افتاد واو چون پیمان
باهل ملك وملت را در باب مطاوعه بایمان موکد کرده بود
وتاج شاهی بر سر نهاد و بر سریر سلطنت متمکن گشت
فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشود الخ اول
کسیکه در جاهلیه خمس مال خود را در راه خدا داد عبد
المطلب بود کذا فی حیوة القلوب ابن عباس گفت رسول
خدا فرمود صدیقان امت سه اند اول حبیب نجار دوم
حزقیل سوم علی بن ابیطالب علیه السلام وعلی افضل از
همه صدیقان است در صواعق محرقه ولی در بعضی از نسخ
بنظر حقیر این طور رسیده است سیاق الامم ثلاثه لم یکفروا
بالله طرفة عین علی بن ابیطالب وصاحب یاسین ومؤمن
آل فرعون وهم الصدیقون وعلی افضلهم شیخ در امالی
بسند خود از قیس بن سعد بن عباده روایت کرده که از
حضرت علی بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اول من یجاثی
بین یدی الله عز وجل للخصومه یعنی من اول کسی هستم که
در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد در

غایة المرام واوّل چیزیکه از اسباب شفاعت است وفاطمه طاهره بمحشر بی او ردو عمّامه خون الوده شوهرش علی است در مجمع المعارف از عامه است در تفسیر ایه وَمَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ انس بن مالک کوید این ایه در شان علی ع نازل شد واوّل کسی بود که بخدا ایمان اورد وهو مؤمن محسن ذکره ابن شهراشوب فی تصنیفه اوّل کسیکه ایمان برسول خدا اورد ومتابعت کرد از زنان خدیجه واز مردان امیر المؤمنین علیه السّلام بود فی سیر النّبیّ ومناقب مرتضوی وجامع الأصول قال علی علیه السّلام انا صلّیت مع رسول الله سبعة سنة قبل ان یسلم احد ویصلّی احد اوّل کلمهٔ که بر لوا عرش نوشته شد بسم الله الرّحمن الرّحیم بود بعد الحمد لله ربّ العالمین بعد لا اله الّا الله محمّد رسول الله علیّا ولیّ الله اوّل مطر نزل من السّمآء فی یوم عاشورا واوّل رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطالب الشیخ عبد القادر الجرجانی فی مجلس فضیلة یوم العاشورا قال رسول الله صلّی الله علیه واله وسلّم اوّل من اتخذ علیّ بن ابیطالب اخا من اهل السّمآء اسرافیل ثمّ میکائیل ثمّ جبرائیل ومن احبّه منهم حملة العرش ثمّ رضوان خازن الجنّة ثمّ ملک الموت وانّ ملک الموت یترحّم علی محبّ علیّ بن ابی طالب علیه السّلام کما یترحّم علی الانبیآء یعنی اوّل

کسیکه

کسیکه کرفت علی بن ابی طالب را برادری کرفت از
اهل اسمان اسرافیل است بعد ازان میکائیل پس ازان
جبرائیل واوّل کسیکه دوست داشت علی را از اهل اسمان
حاملان عرش‌اند وبعد ازان رضوان خازن بهشت بعد
عزرائیل وبدرستیکه ملک الموت ترحم میکند برانبیاء
در مناقب المرتضوی وقال علی فی خطبة الحمد لله الاوّل
فلاشیٔ قبله والاخر فلاشیٔ بعده والظاهر فلاشیٔ فوقه
والباطن فلاشیٔ دونه فی نهج البلاغة از ابوذر غفاری
وسلمان فارسی مرویستکه پیغمبر صلعم دست امیر ع را بدست
حق پرست خود کرفت وفرموده انّ هذا اوّل من امن بی
ونیز از سلمان روایت شده استکه ان سرور فرمود اوّل
هذه الامة ورودا علی الحوض اوّلها اسلاما علی بن ابیطالب
علیه السلام خزیمة بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه السلام
میفرماید ماکنت احسب هذا الامر منصرفا عن هاشم ثم
منها عن ابی حسن الیس اوّل من صلّی بقبلتهم واعلم
النّاس بالفرقان والسّنن ویکی از فصحای عرب اشاره
بسبقت اسلام امیر ع نموده میکوید قل لابن ملجم و
الاقدار غالبة هدمت وذالک الاسلام ارکانا رسول
خدا فرمود که ساعتی پیش ازاین جبرئیل امین برمن نازل شد
وکفت انکشتر عقیقی در دست کن زیرا که عقیق اوّل سنکی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیت و از برای تو بنبوت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایة المرام از ابن معازلی در نص رسول بر علی قال النبی صلّی الله علیه و اله یا علی انت اوّل المسلمین اسلاما و اوّل المؤمنین ایمانا سید اجل محدث علامه بحرانی در غایة المرام نقل از ابن بابویه مینماید که وی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهودی خدمت حضرت امیرالمؤمنین امد و عرض کرد مرا خبر ده از اوّل سنکی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از زمین جوشید و اوّل درختی که از زمین روئید فرمود ای یهودی اما اوّل ان سنکی که بر روی زمین نهاده شد شما میکوئید که ان سنکی است که در بیت المقدس است و دروغ کفته اید بلکه ان سنکی است که ادم انرا از بهشت با خود فرود اورد و ان حجر الأسود است و در رکعبه نصب نمود یهودی کفت راست کفتی و بخدا قسم که انچه کفتی بخط هرون و املاء حضرت موسی است و فرمود شما میکوئید اوّل چشمه که بر روی زمین جوشید و جاری شد چشمهٔ بیت المقدس است و دروغ کفته اید ان چشمه زندکانیست که یوشع بن نون ماهی شور را در ان چشمه شست و خضر از ان اشامید و احدی از ان نیاشامد مکر انکه بمیرد عرض کرد راست فرمودی و

بخدا قسم

بخط اقسم که چنین یافتم بخط هرون واملاء موسی مؤلف
گوید این قصه چنان بود که اسکندر ذوالقرنین بطلب آب
حیوة با سپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
خضر نبی بر مقدمه لشکر او بود و باب رسید و از آب بخورد
و اسکندر محروم ماند و شما میگوئید اول درختی که از زمین
روئید درخت زیتون بود و دروغ گفته اید بلکه اندرخت
خرمای عجوه است که آدم از بهشت با خود آورد یهود گفت
راست گفتی بخدا قسم بخط هرون واملاء موسی حاضر است
مؤلف گوید عجوه نخل خرمائیست بسیار خوب گویند
در مدینه طیبه و نواحی آن ازاین درخت بسیار است و پیغمبر
مکرم میفرماید هرکس هفت عدد خرمای عجوه هر روزه
تناول نماید از گزندگان و اسب زهرهای آنها در امان
خواهد بود و جمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکرر
بتجربه رسیده است خوردن هر صباح ازاین خرمای عجوه
وفی القاموس العجوة بالحجاز التمر المحشی و تمر بالمدینه و
و در تفسیر اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ و محمد نبیکم آمده اول میثاق
ربوبیت را از انبیاء عموما گرفت و اینستکه میفرماید
وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِیّٖنَ مِیْثَاقَهُمْ یعنی یاد آور ای محمد
زمانی را که فرا گرفتیم از انبیاء میثاق ایشانرا و ذکر کرد
همه انبیا را عموما بعد از آن افضل سلسله انبیا را بیان

فرمود و نام بردکم مِنکَ محمّد یعنی پس از انبیاء اخذ
میثاق از تو کردی برای محمّد خصوصا و رسول بر سائر انبیاء
مقدّم داشت اوّل پادشاهان عدالت گستر نوشیروان
فرخنده سیر بود و در حقش کافی است که پیغمبر صلّی الله
علیه واله فرمود ولدت فی زمن ملک العادل نوشیروان
فی خلاصة التّواریخ اوّل کسیکه نامه بسیّد الشّهداء
نوشت عمرو بن الحجاج بود اوّل کسیکه در کربلا شمشیر
بر بدن مقدّس حضرت ابی عبدالله الحسین ع زد و بدن
مطهّران سرور مراجروح نمود همین لعین ولد الزّنا بود
در کتاب حدائد السّیوف و شدائد الحتوف از سیّد رضا
حیدری یزدی اوّل کسیکه بعد از شهادت سید الشّهداء
احرام زیارت آن بزرگوار را بست و باین نعمت عظمی فائز
گردید جابر بن عبدالله انصاری بود در ریاض الشّهاده
اوّل کسیکه از اسرای اهلبیت وارد حرم رسول خدا شد
زینب خواتون بود عرض کرد یا جدّا اگر بنی هاشم نبودند
من برهنه می شدم تا به بینی چگونه بدنم سیاه و مجروح است
وقصّی اوّل کسی بود از اولاد کنانه که پادشاه مکّه گشت
در مقامع آقا محمّد علی بهبهانی اوّل من آمن علیّ بن ابیطالب
علیه السّلام واین کلمه در اعداد مطابق است با علیّ بن
ابیطالب اوّل کسیکه وضع کرد شطرنج را صصه بن

داهر الهندی بود در تاریخ ابن خلکان و برخی گویند واضع
شطرنج ناموغ بن حام بن یافث بن نوح علیه السلام بوده است
اوّل کسیکه وضع کرد نرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکو
پادشاه فرس بود و از این جهة او را نردشیر خوانند در تاریخ
ابن خلکان اوّل کسیکه شراب را تصدّق بفقراء داد ابن
درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب باو بداد یکی
از غلامانش گفت شراب تصدّق میدهی در خبر سوگی
در جواب غلام این آیه را شنواند لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُوا
مِمَّا تُحِبُّونَ وفی الحدیث پیغمبر اکرم فرمود یا علی خدای
تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو با من می باشی می
فرماید یا علی اوّل کسی هستی که از قبر بیرون آئی با من و اوّل
کسی هستی که بر صراط بایستی با من و اوّل کسی هستی که
پوشانیده شوی از لباس بهشت با من و اوّل کسی هستی
که در علیّین ساکن شوی با من و اوّل کسی هستی که از
رحیق مختوم بیاشامی با من اوّل کسیکه بنای شهر نهاد
کیومرث بود و اوّل پادشاهیکه در میان فرزندان
خویش خطبه انعقاد کرد او بود در تاریخ معجم فضل الله
اوّل کسیکه از وادی نجد اسب نجدی و مادیان عربی فرستاد
آورد ندود بیابان قرا نجد شلستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بوشهری حاکم بوشهر و مضافات و بحرین
و بنادر بود و آنچه اسب عربی معروف فارس میباشد
در شیراز و غیره از همان تخمه است در روضة الصفای ناصری
هدایت زده اوّل کسیکه بجهة منصب قاضی القضاتی
ادای وجه قرار داد ابو العبّاس عبد الله بن حسن بن ابی
الشوارب بود در بغداد دویست هزار درهم هر سالی بدیوان
بغداد در ایّام معزّ الدّوله بن بویه در منتظم ناصری اوّل
کسیکه در وازه طعن بر مجتهدین گشاد و فرقه ناجیه
امامیّه اثنا عشریه را بدو قسم منقسم کردانید یکی
اخباری و دیگری مجتهدی ملّا محمّد امین استرابادی
صاحب فوائد المدنیّه بود در کتب رجال اوّل کسیکه
بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام آمد جابر
بن عبد الله انصاری با آل رسول و بنی هاشم آمدند
در یوم بیستم صفر سنه ۶۱ هجری بود چه خوب گفته شاعر

جانفدای آنکه اوّل زائر است	زائر اوّل جناب جابر است

اوّل کسیکه در مسجد سپه سالار که در طهران واقع و
بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ
جعفر الشّتری بود در مآثر الآثار در حدیث است که
حضرت امام رضا علیه السّلام فرمودند چون خداوند
ولایت و امامت و محبّت ما خانواده طاهره را بر اسماها

عرض کرد اوّل آسمان هفتم قبول کرد وچون بزمینها عرض کرد
اوّل زمین کعبه قبول کرد وچون بکوهها عرض کرد اوّل کوه
عقیق اقرار کرد اوّل کسیکه از سلسله جلیله خواتون آباد
بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السیّد العالم میر محمّد
حسین بن میر محمّد صالح الحسنی الحسینی الخاتون آبادی ابن
بنت المجلسی الثّانی فی مآثر الآثار اوّل زنیکه ایمان آورده
بعلی علیه السّلام شبهة استقبال امام زین العابدین ع و
مادر زاده کان از دره از مدینه بیرون رفت ام البنین
مادر حضرت عبّاس بود در تحفة الذّاکرین اوّل کسیکه
از مدینه مشرّفه بسوی مهاجرت را قبول کرده ودر شهر
فراهان او در ... بعلی ... فرمود وهم در آنجا سعادت شهادت
یافت ودر هزار ... مدفون گشت سلطان بن احمد بن حسن
بن افطس بن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیهم السّلام
بود در تاریخ شیخ جعفر شوشتری ره در خصائص الحسینیّه
در بیان اوّل مخلوقات میفرماید اوّل مخلوقات نور
حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله میباشد یا نور آن بزرگوار
یا انوار سائر ائمّه پس بهر تقدیر میگوئیم بدرستیکه اوّل
مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجهة اینکه
پیغمبر ص فرمود حسین منّی وانا من حسین یعنی من از حسینم
وحسین از من است پس او اوّل مخلوقات است واوّل آن

خبراست که صادر شده از اوّل وهر مخلوق وشیخ الرّئیس
معاصر حائری کوید صادر اوّل بنودی حضرتش کر از ازل
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب در خبر آمده پس
ازانکه حبیب بن مظاهر اسدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت وطلب یاری کرد بروایت خصائص الحسینیه
مردی از بنی اسد ازجای خود برجست که اورا عبدالله بن
بشر میکفتند وکفت منم اوّل کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس ازان شروع برجز خواندن نمود ودر ثواب زیارت
زوّار مقبول میانوالعتبات در خصائص امام صادق علیه السلام
فرمود اوّل کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین بن
علی ذات اقدس خداوند علی اعلا است واین کنایه است
از توجّه خصوصیات الطاف کثیره الهیه باجناب بعد از آن
زیارت فرمود رسول خدا وعطا فرمود بوی کاسه آبی که
نکه داشته بود اورا از برایش فی وسائل المحبّین فی ترجمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التبریزی متّع الله المسلمین بطول بقائه اوّل کسیکه حسین
را بعد از دفن دران نشاء زیارت کرد از انبیاء پیغمبر خدا خاتم
انبیاء واز اوصیاء علی واز ملائکه جبرئیل وبعد میکائیل
بعد اسرافیل ودر خصائص الحسینیّه آمده واما اهل این
نشاء اوّل کسیکه زیارت نمودان سرور را بعد از دفن او

سیّد سجّاد بود وقتی که دفن نمودان جسم مطهّر رابعد از سه روز که بر روی خاک افتاده بود وایضا در ثواب زیارت در خصائص کان اوّل من یصافحه رسول الله وامیر المؤمنین علیهما السّلام واوّل قطرة من دمعه یغفر له بها کلّ خطیئة اوّل من انتقل من الکوفه الی القم من السّادات الرّضویه کان ابو جعفر موسی بن محمّد بن علی الرّضا علیهم السّلام فی سنة ستّ وخمسین ومأتین یعنی اوّل کسیکه از کوفه ببلد قم از سادات رضویّه منتقل شد ابو جعفر موسی پسر محمّد بن علی الرّضا بود در سال دویست وپنجاه وشش در مجلد ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلّی الله علیه وآله انّ اوّل من اشفع له من امّتی اهل بیتی الاقرب فالاقرب یعنی سیّد رسل فرمود که بتحقیق من اوّل شفاعت میکنم از امّت خود قرب اهل بیت خود را الاقرب بنا تا آخر حدیث در کتاب ابن حجر المکّی قال النّبیّ لعلی انّ اوّل اربعة یدخلون الجنّة انا وانت والحسن والحسین وذراریّنا خلف ظهورنا وازواجنا خلف ذراریّنا وشیعتنا عن ایماننا وشمائلنا یعنی فرمودان حضرت ای علی اوّل چهار کانه که داخل بهشت شوند من وتو وحسن وحسین میباشیم امّا ذرّیه در عقب سرما وزنان مؤمنات ما در پشت سر آنها وشیعیان ما در جانب چپ وراست ما باشند اوّل کسیکه اختراع کرد دوربین را

که در فرنکستان از چوب وشیشه سازند واز کوهر شاهوار کران تر بمصرف رسانند حکیم عالیشان متر کوبر نکوس بود کذا فی تحفة العالم اوّل کسیکه مقام بر سر قبر حضرت سید الشهداء ساخت اشجع سواران جهان محمّد بن ابراهیم بن مالك اشتر نخعی بود در مونس الأحیار فی احوال المختار بلسان الهندی للسیّد الجلیل محمّد تقی الموسوی الهندی اوّل کسیکه سکّه زد بر درهم ودینار غرور بن کنعان بود فی عیون اخبار الرّضا اوّل ضرب وسکّه که سلاطین مسلمانان از اسلامبول زدند در سنه صد وهشتاد هجری بود بوزن و عیاریکه خلفای بنی امیه در دمشق معمول داشته بودند در منتظم ناصری اوّل کسیکه او را صوفی خواندند فریدون بود اوّل کسیکه امر کرد بعمامه سبز که علامت سیادت باشد ملك اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود بدانکه در کتب اهل سنّت وجماعت مسطور است انّ هذه العمامة الخضرا لیس لها فی الشّرع والسّنّة ولا کانت فی الزّمن القدیم وانّما حدثت سنة ثلاث وسبعین وسبعمائة بامر الملك الأشرف شعبان بن حسین مؤلّف کوید اکنون که پانصد وسی و دو سال است که معمول افتاده واین سیره ممدوح وشایع کشته ومنع آن مقدوح است وصاحب شرح الفیه مشهور براعمی وبصیر که اندلیسی مولد است در شان عمامه سادات

آنشاد کردد جعلوا الابناء الرسول علامة ان العلامة شان
من لم يشهر نور النبوة فی وسیم وجوههم یعنی الشریفة من الطراز
الاخضر وبعضی از افاضل نوشته اند بپوشانید مامون
عباسیه امام رضا علیه السلام را وامر کرد بان لباس سبز
بنی هاشم که بپوشند اول کسیکه اتشکده ساخت و آتش
پرستید قابیل بن ادم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در آن
تاریخ آورده در احوال پولس بن لامك که كان اول من سکن
القباب و در احوال توبلسین بن لامك کوید کان اول من
ضرب بالونج والصنج و در احوال توبلقین بن لامك کوید
كان اول من عمل النحاس والحديد مؤلف کوید بولس
و توبلسین و توبلقین هر سه برادران نوح نبی الله بودند
و ابن اثیر کوید ان اول من اتخذ الملاهی من ولد قابیل
رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتخذها فی زمان مهلائیل
بن قینان اتخذ المزامیر والطنابیر والطبول والعیدان و
المعارف فانهمك ولد قابیل فی اللهو و در احوال مهلائیل
بن قینان کوید اول من بنی البناء واستخرج المعادن
وایضا فیه امر اهل زمانه باتخاذ المساجد اول عربی
قسم للذكر مثل حظ الانثيين عامر بن خشیم فی درر المعارف
اول من سبب السوائب عمرو بن یحیی اول من سن الدية
ماة الابل عبد المطلب اول ما يلقى به الارض من جهنم

الذقن وقيل اوّل ما يلقى الارض هو الجبهة والأنف لا
الذقن اوّل من سمّاها جمعة الأنصار وذالك قبل قدوم
النبيّ صلّى الله عليه وآله الى المدينه وقيل نزول سورة
الجمعة الخ فى مشكلات العلوم النراقى قيل اوّل من سمّاه
جمعه كعب ابن لوى لاجتماع النّاس فيه اليه وهذا الرّجل
اوّل من قال كلمة امّا بعد اجمع الاطبّاء على انّ القلب اوّل
عضو يتكوّن وآخر عضو يسكن وهو انّه اوّل عضو يحيى اوّل
من اخترع القول بحرمة اقامة الجمعه فى زمان الغيبة
الشّيخ حمزه سلّار الدّيلمى تلميذ سيّد المرتضى والمفيد فى
روضات الجنّات وقال صاحب روضات الجنّات مدّ
ظلّه فى ذكر شيخ الورع الأمام خليل بن احمد النحوى و
ابوه احمد كان اوّل من سمّى بعد الأسم بعد رسول الله صلّى الله
عليه وآله اوّل اسم از اسماء اعضاء دماغ است اوّل كسيكه
مشرف ومستوفى قرار داد لهراسب شاه كيانى بود كذا فى
حبيب السّير اوّل پادشاهيكه بكسرى لقب يافت نوشيروان
بن قباد بود كذا فى حبيب السّير اوّل كسيكه زن پدر خود را
بزنا گرفت شيرويه بود عبد الله بن بسر مازنى اوّل شخصى است
كه رو بقبلتين نماز كرده واخر صحابى است كه در شام در گذشت
در منتظم ناصرى اوّل پادشاه مسلمانان اسپانيا كه خود
را خليفه وامير المؤمنين والناصر لدين الله لقب داد عبد الرحمن

ميسم

ستیم پادشاه اسلامبول بود بهم چشمی خلفاء علوی افریقیه
بود در منتظم اوّل پادشاهی که در ایالات شمالی فرنك
سکّه زد امیر الطور کانوت اعظم پادشاه انکلیس و دینمارك
و نروژ بود و قبل از او طوایف دانمارك و سود و نروژ
معاملات خود را با شمش طلا و نقره مینمودند فی منتظم
اوّل کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حیّ علی خیر العمل
بگویند المستنصر علوی بود اوّل علامات خروج قائم
الائمّه طلوع ستاره داود است که در آسمان دوام کند
و عالم هرج و مرج شود و مردم مختلف کردند در غایة
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرمود به علی
بن ابیطالب علیه السّلام یا علی تو اوّل کسی هستی که بمن
ایمان آوردی و مرا تصدیق کردی و تو اوّل کسی هستی
که مرا در امر نبوّت من اعانت نمودی و با دشمن من جنك
کردی و تو اوّل کسی هستی که با من نماز گذاردی و خدای
عزّ و جلّ بعزّت و جلال خود سوگند یاد کرده است که
از عقب صراط نگذرد مگر آنکه برات ولایت تو و ولایة
ائمّه از اولاد تو با او باشد و تو اوّل کسی هستی که بر حوض
من وارد شوی و دوستان خود را از آن حوض سیراب
گردانی و دشمنان خود را از آن برانی و تو رفیق منی در
وقتیکه بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب شفاعت

کسند و تو شفاعت ایشان کنی و تو اوّل کسی هستیکه داخل
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقّه است و هر شقّه
از آن بزرکتر از آفتاب و ماه و تو را صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل درخت خانه تو است و شاخهای آن در خانه
شیعیان تو است در غایة المرام رسول خدا صلّی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سیّده زنان عالم است از اوّل
دنیا تا اخر دنیا و فاطمه اوّل کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه از خز پوشیده بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بشما داد فرمود وصیّ و صاحب سخا و
وارث علم من و برادر من و اوّل مؤمنان در اسلام اوّل
نداشیکه امام عصر عجّل الله فرجه میکند اینست الا لعنة
الله علی القوم الظّالمین چنانچه پیغمبر صم خبر داده باصحاب
که فرمودند ثواب او آواز دهد در ماه رجب اوّل ندا
کند الا لعنة الله علی القوم الظّالمین اوّل کوهیکه اقرار
کرد بر امامت علی علیه السّلام کوه عقیق بود مرویستکه
حضرت رسول صلّی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود
یا علی تو اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اوّل کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من و قتیکه من

پوشانند می شوم و اوّل کسی هست که در علیین ساکن
شود یا من و اوّل کسی هستی که از رحیق مختوم بیاشامی یا من
اوّل کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلف گوید چه بسیار
ارباب اخبار اختلاف کرده اند و برخی برآنند که یونس
نبی خیاطت مینمود و از این صنعت از آن جناب است و
الله اعلم اوّل کسیکه علم فراست را ظاهر نمود افلیمون الحکیم
بود قالوا اصل السیر افلیم الحکیم معروفا بالفراسة و کان
یستدل علی اوصاف النفس و ملکاتها بالصورة و تناسب
الخلقة فارادوا اختباره فی ذلک فعملوا تلامذة بقراط الحکیم
وصوروا صورته علی لوح من عدیم واتوا بها و قالوا تامّل
فی هذه الصورة واحکم بما شهد لک من اوصاف صاحبها
فلما تامّل فی دقائقها وتناسب اجزاءها قال صاحب
هذه الصورة صاحب خدعة ومکر وفسق وهو یحب
الزناء فلما سمعوا ذلک ارادوا قتله و قالوا ایها الجاهل
انه اعلم اهل الأرض واعدلهم واتقیهم وخیرهم فی جمیع
الأمور فقال انما سئلتم عن علمی واخبرتکم به فرجعوا
الی بقراط واخبروه بما قال فقال صدق الحکیم فی
جمیع ما قال ولکنی لما رایت قبح هذه الأمور ترکتها و
حفظت نفسی عن مباشرتها صلوة التراویح التی هی من
بدع عمر کما اعترف به ولم ینکروها علیه جمع ترویحه و

هي المرّة الواحدة من الرّاحة كتسليمه من السّلام وسميت
لذالك لانّهم اوّل ما اجتمعوا عليها كانوا يستريحون بين
تسليمتين في كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيد على الميبدى سلّمه الله قيل انّ اوّل من وضع
الكتاب العربى والسّريانى والكتب كلّها ادم على نبيّنا و
اله وعليه السّلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها فى
الطّين ثمّ طبخه فلمّا اصاب الارض الغرق كلّ قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسمعيل بن ابراهيم عليهما السّلام فى كشكول
السيد المذكور قيل اوّل من وضع الخاتم فى يد اليسرى
جمشيد فقيل له لم تركت اليمين مع اولى بالزينة فقال قد
تمت زينتها باليمين وقال الخوفي [illegible] لم يزل اهل الفضل
يحوونها ولذالك كانت اليمين شعار الشيعة فى كشكول
السيد المذكور احمد بن محمد الهروى اوّل من صنف فى
غريب الحديث وعرضه على عبد الله بن طاهر فاستحسنه
فى وفيات الأعيان اوّل من تكلّم على مذهب الأماميّه
وصنّف كتابا فيه الأمام علىّ بن اسماعيل بن شعيب بن
يثيم بن يحيى ابو الحسن الميثمى اهـ اوّل ظهار كان فى الأسلام
ظهار اويس بن صامت من المجادله اوّل لعان كان فى
الأسلام لعان هلال بن امية مع زوجته قال رسول الله
صلّى الله عليه واله يا انس اوّل من يدخل عليك من هذا

الباب امیر المؤمنین و سیّد المسلمین و قائد غرّ المحجّلین
وخاتم الوصیّین قال انس مکث فی نفسه اللّهمّ اجعل
رجلا من الأنصار اذا جاء علی علیه السّلام فقال من هذا
یا انس فقلت علی علیه السّلام فقام مسرورا واستبشرا
فاعتنقه ویمسح عرق وجهه بوجهه الخ فی مطالب السّؤل
قال رسول الله انا سیّد النبیّین وعلیّ سیّد الوصیّین
وانّ اوصیائی بعدی اثنا عشر اوّلهم علی علیه السّلام واٰخرهم
قائمهم فی مودّة القربی شافعی قال اوّل من خاصم من هذه
الامّة بین یدی الرّبّ تعالی علی علیه السّلام ومعویه
یعنی اوّل کسیکه خصومت از این امّت در قیامت نزد خدای
تعالی نماید علی علیه السّلام با معاویه میباشد در فردوس
الاخبار پیغمبر فرموده که امر امّت بر میزان و قسطاس قائم است
تا قیام مردی که او اوّل آنکس باشد که رخنه و خلل در
دین من بیندازد و از بنی امیّه باشد نامش یزید میگویند در
فردوس الاخبار اوّل کسیکه سبقت کرفت بر تاختن بهم
بریدن امام حسین علیه السّلام حصین بن نمیر ملعون
بوده در مصائب الزّینبیّه شیخ عطار سنّی متعصّب در
مدح خلیفه اوّل کوید خواجه اوّل که اوّل یار اوست
ثانی اثنین اذهما فی الغار اوست علّامه مجلسی رحمه الله
میفرماید که حق تعالی خلق کرد حوّا را از زیادتی طینت

آدم بر صورت او و خواب را بر او مستولی کردانیده بود
پس این را در خواب باو نمانده واین خواب اوّل خوابی بود
که در زمین دیدند پس بیدار شد وحوا را نزد سر خود دید
پس حق تعم وحی کرد که ای آدم کیست اینکه نزد تو نشسته آ
کفت آنستکه در خواب بمن نمودی پس باو انس کرفت و
نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی ره
منقولست که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اوّل چیزی
که از او خلق کرده دیدهای او بود پس نظر میکرد بسوی بدنش
که چکونه مخلوق میشود چون نزدیک شد که تمام شود و
هنوز پاهایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
هذا حق تعم میفرماید اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ عَجُولًا و نیز در
همان کتاب از حضرت صادق علیه السّلام مرویستکه
اوّل کسیکه قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
را با دم کفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک خلق
کردی اکر قیاس میکرد که آن جوهریرا که روح آدم را از آن
مخلوق شده با آتش هر آینه نور و روشنیش بیش از آتش بود
قال رسول الله اوّل خلق الله یوم القیمة یکسی ابراهیم
یکسی ثوبین ابیضین فی ابن جوزی قال یا علی ما علمت
انه اوّل من یدعی به یوم القیمة انا فاقوم عن یمین العرش
ویساره ویلبسون حلة خضراء من الجنة ثم یدعی بالنبیین

ع بعضهم

بعضهم علی اثر بعض فیقومون سماطین علی یمین العرش و یسار
و یلبسون حللا خضرآء من الجنة و ان امتی اول من یدعی یوم
القیمة للحساب ثم انت اول من یدعی بک لقرابتک منی و
منزلتک عندی و یدفع الیک لوائی و هو لوآء الحمد فی ابن
جوزی قال ابن عباس اول من شری نفسه ابتغاء مرضات الله
علی بن ابیطالب ع ابن جوزی در خطبه امیر المؤمنین ع میفرماید
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَعْلَمُ اَنِّیْ اَوَّلُ مَنْ اَنَابَ و سمع و اجاب از عبد
الأول صوفی و اول از علی بن [illegible] و اول از حسین بن
صفوان و اول از ابو بکر قرشی معروف بابن ابی الدنیا و اول
اول جناب جابر است [illegible] اول زائر است
اول کسیکه از سادات رضویه بقم آمد ابو جعفر
موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیهما السلام بود در
سنه دویست و پنجاه و شش از کوفه بقم آمد و بقم مقام گرفت
و پیوسته برقع بر روی فرو میگذاشت [illegible] دکه عرب قم
بدو پیغام فرستادند که تورا از مجاورت و همسایگی ما
بیرون باید کرد پس ابو جعفر موسی بن محمد علیهما السلام
از قم بکاشان رفت در کتاب بدر مشعشع در احوال ذریه
موسی مبرقع از مصنفات جناب عمدة العلماء العاملین
قدوة الفقهاء الکاملین حافظ الشریعه و فخر الشیعه
ثالث مجلسین المبرء من کل شین مولانا الجلیل الحاج میرزا

حسین النوری الطبرسی نور الله قلبه صاحب حقائق الارض
گوید اوّل چیزی که در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هندی
است واشاره باین آیه اَلَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً کَلِمَةً طَیِّبَةً
کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَآءِ تُؤْتِیْ اُکُلَهَا کُلَّ حِیْنٍ
بِاِذْنِ رَبِّهَا وابن مردویه از عبد الله بن عبّاس روایت کند
که ابن عبّاس گفت در تفسیر تُؤْتِیْ اُکُلَهَا کُلَّ حِیْنٍ آن درخت
جوز هند است مؤلّف گوید جوز همان نارجیل معروف
است وآن درختی است شبیه بنخل خرما وبعد از هفت سال
از غرس آن که گذشت [illegible] ودر جوف نارجیل آبی
شبیه شیر است وبسیار خوش طعم میباشد وگویند عمر
درخت نارجیل صد سال است در لغت جوشن در قاموس
گوید وذو الجوشن شرحبیل بن قرط الأعور الصّحابی لأنّه
اوّل عربیّ لبسه وشرحبیل والد شمر لعین است اوّل من
کتب فی احکام القرآن ابو قاسم بن اصبغ بن محمّد القرطبی
اللّغوی الأنصاری الاندلسی اوّل من نقّح علم الحکمة و
اسقط سخیفها وقرّر طلب اثبات المدّعی وطریق التّوجیه
ارسطاطالیس تلمیذ افلاطون وکان قبله یاخذون الحکمة
تقلیدا ولذا یقال له المعلّم الأوّل وهو اوّل من اسّس
اساس المنطق ووضع علمه وخالف استاده وابطل التّناسخ
وهو اوّل من وضع علم المجسطی وعرّف حرکات الأفلاک

وسير الكواكب بالبراهين الهندسية ووضع الاسطرلاب
والتقويم هو بطليموس الحكيم قال شارح رسالة ابن زيدون
بطليموس صاحب كتاب المجسطي الذي هو جغرافيا والاسطرلاب
وكتاب اللحون الثمانية وغير ذلك وهو اول من شرح القول
على هيئات الفلك واخرج علم الهندسة من القوة الى
الفعل واكثر الرواة يقولون انه ثالث ملوك اليونان
بعد الاسكندر وبطليموس لقب ملوكهم وقال بعض محققى
التاريخ بل هو رجل حكيم كان في زمن نشاء ملوك الروم
بعد اليونان في كشكول السيد نعمة الله الجزائري على بن محمد
على الحسيني المشهدي اليزدى سلمه الله تعالى اول من وضع
علم الطلسمات هو بليناس الحكيم اول من وضع الشطرنج
ناموغ بن حام بن يافث بن نوح على الحكيم اول من ابطل
الحد الشرعي هو الاول وقيل اول الخلفاء من بنى امية
وهو معوية كما في ربيع الابرار اول من اشتهر من علماء الحكمة
والفلاسفة ابو نصر محمد بن احمد الفارابي الملقب بالمعلم
الثانى وهو اول من شرب الخمر واتبع الشهوات من الحكماء
قال على بن ابي طلحه اول شيئ اكله ادم ع حين هبط الى الارض
الكمثرى فى سبحة المرجان اقول قال صاحب حسن الوسائل
اول ما اكل ادم ع من ثمار الارض حين اهبط النبق واقول
لا يخفى على الطبع السليم اذ لا منافاة بين الاثرين لان لكل

في اوليته اكله من ثمار الارض بخلاف الأول والسبق
ثم السّند اول كسيكه مدفون شد در خاك نجف خباب
بن الأرت بود از اصحاب رسول خدا على عليه السّلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود ودر غزوۀ
صفين ونهروان مورخين متفقند در ركاب امير المؤمنين
حاضر بوده وچند سال در كوفه اقامت كرد ودر انجا وفات
فرمود فى النجف صلى عليه على عليه السّلام ووقف على قبره
وقال رحم الله خبابا اسلم راغبا وهاجر طائعا وعاش
مجاهدا وابتلى فى جسمه احوالا ولا يضيع الله اجر من احسن
عملا وشيخ ابو على صاحب منتهى المقال وديگران از ارباب
رجال در كتب رجاليه مرقوم داشته اند اول كسيكه ميثاق
گرفت از مردم براى ديگرى اول بود كه بجهت ثانى گرفت
اول كسيكه در عالم شعر گفت آدم صفى الله بود وسبب
ان بود كه چون بفرمان رب الأرباب ان مظهر پاك بر
عالم خاك نزول فرمود ظلمت اين زندان فانى بچشمش ناخوش
نمود گرد عالم بنا متفكر ديد و ربنا ظلمنا گويان جويان
عفو كريم ميبود وبعد از خلعت غفران بديدار زوج و
بعد از ان بقدوم اولاد كرام تسلى شد در ان حال هابيل
مظلوم را قابيل مشوم بكشت وادم را باز غربت وندامت
تازه شد در ان حال بقتل هابيل وندامت دنيا آدم

درمو شیر فرزند شعر گفت و شیخ ابو علی مسکویه معاصر شیخ الرئیس بو علی سینا در کتاب آداب العرب و الفرس این قصیده را بدین منوال بیان سفرماید که قال الحسین بن علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفه فی الجامع اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین انی اسئلک عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام قال وما کان شعره قال علیه السلام لما انزل من السماء فی الارض فرای تربتها وسعتها و هواها وقتل قابیل هابیل فقال علیه السلام تغیرت البلاد ومن علیها فوجه الارض مغبر قبیح

تغیر فی کل ذی لون وطعم	وقل بشاشة وجه الملیح
فوا اسفا علی هابیل ابنی	قتیل قد تضمنه الضریح
وجاورنا عدو لیس ینفی	لعین لا یموت فنستریح

فاجابه ابلیس علیه اللعنة

تنح عن البلاد وساکنیها	وفی الفردوس ضاق بک الفسیح
وکنت بها وزوجک فی قرار	وقلبک من اذی الدنیا مریح
فما انفکت من کیدی ومکری	الی ان فاتک الخیر الربیح
فلولا رحمة الجبار اضحی	یکفیک من جنان الخلد ریح

اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء وعن النبی انه قال اول قریش هلاکا اهل بیتی اخرجه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من کسی حلة من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

رجل انظر معسراً او لحاعنه اوّل چیزیکه از زن سؤال نمایند
در روز قیامت از نماز او است و بعد از شوهرش و قتیکه
مرض جدری که ابله باشد ظاهر گشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از آن عهد الی الحال باقی است و نیست تنی
که ابله بیرون نیاورد اگر چه بیر صد سال عمر باشد
اوّل زمانیکه اختراع ابله کوبی شد سنه احدی عشرة
ومائتین بعد الالف اوّل سکهٔ که در اسلام زده شد
در سال هفتاد و پنج هجری بود و قبل از آن بر دینار بخط
رومی نقش می شد و بر درهم بخط فارسی بوده اوّل وقتی
که ظاهر شد شرب تتن و تنباك و اساس شطب و قلیان
در سال هزار و دوازده هجری بود و در همان سال شاه
عباس صفوی اوّل در بلاد اذربایجان استیلا یافت
اوّل کسیکه علم باروت ساختن را و وضع قونبره در میان
نهاد یکی از علمای فلاسفه اسکندریه مصر بود در سال
چهلم هجری و در همان سال معویه بر سریر شاهی در شام
مستقر گشت شیخ ابوبکر شیرازی گوید اوّل کسیکه از حرب
احد بگریخت عثمان بود در کامل البهائی اوّل زمانی
که استعمال انفیه شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار و پنجاه هجری بود اوّل من اخترع الخطّ البدیع الذی
یعرف ایضا بخطّ النسخ بعد ما کان المدار علی الخطّ الکوفی

هو النسخ

هو الشيخ محمد بن علي بن مقلة الوزير في عصر المتوكل العباسي
وما بعده ثم أخذ في تجويده وتنقيحه ياقوت المستعصمي الذي
هو من أقران العلقمي الوزير رأيت صحيفة السجادية بخط شريف
عند جناب العالم الفاضل الكامل الأديب الأريب المعاصر
الشيخ علي الخراساني الحائري الموطن الملقب بشيخ الرئيس دام
فضله أول من انتقل النسخ الى خط النسخ التعليقي هو المير
علي استاد المير عماد الحسيني المشهور الذي كان في عصر السلطان
شاه عباس الموسوي الثاني أول من خط المنكسر هو المولى شفيعا
الاصفهاني أول من ابدع التصوف هو أبو هاشم الكوفي أول
من حلق رأسه هو جدنا آدم الصفي عليه السلام أول حكيم
لازم باب الحكام هو أبو علي الرئيس وهو أول من كتب في
تسخير الجن على ما هو المشهور أبو الفضل محمد بن أحمد الطبسي
صاحب كتاب الشامل وهو كتاب كبير ولقد رأيت نسخة
منه في سنة سابع وثلثمائة بعد الألف في بيت أحد الفضلاء
البصرة وكان هذا الشيخ معاصر الشيخ أبي حامد الغزالي أول
من كتب في الملل والنحل المختلفة محمد الشهرستاني وكتابه
المذكور طبع في بلدة مصر وإيران وهو الآن متيسر بين الخاص
والعام أول من خط بالعربي هو مرامر بن مرة الأنباري
وأول من نقل الخط الكوفي من الحيرة الى الحجاز هو حرب بن
أمية أول ما يوضع في الميزان الخلق الحسن عن أم الدرداء

مرفوعا اوّل ما یوضع فی میزان العبد نفقته علی اهله
اوّل ما یتکلّم من الآدمی فخذه وکتفه اول من یدخل الجنّة
التّاجر الصدوق عن ابی ذر مرفوعا اوّل طعام یاکلوه اهل
الجنّة زیادة کبد الحوت اوّل زمانیکه وضع کرده شد تاریخ
فرسیّه در سنه ٣١ هجری بود وابتداء تاریخ جلالی که معمول
علیه منجّمان عصر است سنه ٤٧١ بود وابتدای تاریخ ایلخانی
در سنه ٧٠١ بود اوّل زمانیکه روزنامه نویسی مخترع گشت
که بنویسند وباطراف جهان روانه دارند واخبار عالم
را بیکدیگر رسانند در ممالک اروپا در سال احدی وخمسین
بعد الالف اوّل زمانیکه تلغراف مخترع شد وشیوع یافت
سنه ست ومأتین بعد الالف بود اوّل زمانیکه کاغذ
مخترع شد در مملکت ختا در سال صد بعد از ولادت
عیسی ع بن مریم در تاریخ انگلیسیه اوّل زمانیکه شراب
انگور ساخته شد در مملکت برماینا در زمان دولت
پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
در تاریخ انگلیسیه اوّل زمانیکه کاغذ از پنبه ساخته
شد در سمرقند سنه ثمان وعشرین هجری بود اوّل زمانی
که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
سنه تسع وثمانین من الهجرة در تاریخ جهانشاهی اوّل
زنیکه از لشکر امام حسین ع کشته شد زوجه وهب بن

عبدالله

عبدالله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال با شرار
است عمود بدست خود گرفت و بجای شوهر جوانش امد و میگفت
فداك ابی وامی قاتل دون الطیبین حرم رسول الله و
چون شوهرش بادست برید کشته شد زن ببالینش امد
و خون از روی او پاك میکرد شمر اشاره بغلام خود غلام
عمود اهنی برسر او برد که سر ان زن شکافته شد و شهید
کشت و بعد از ان مادر وهب بمجادله قدم نهاد پس از
انکه بروایت بحار سر فرزند را برداشت و بعد از ان
بسوی لشکر پسر سعد انداخت و یکنفر را بان کشت پس
عمود خیمه برداشت بران گروه حمله کرد دو نفر را کشت
امام علیه السلام فرمود ارجعی یا ام وهب انت وابنك
مع رسول الله فان الجهاد مرفوع عن النساء اول کسیکه
احمد نامیده شد از رسل محمد مصطفی صلی الله علیه و
اله بود درخت بادنجان اول درختی است که شهادت
بر ربوبیت رب و نبوت نبی و امامت ائمه اظهار کرد
سماء العالم اول کسیکه یوسف نامیده شد یوسف بن
یعقوب ع بود در خبر است که چون خداوند صورت
انبیاء را بر ادم ع نمود وی ایشان را دید در اسمان ششم
یوسف را با تاج و جلال چنانچه در اخبار رسیده دید
عرض کرد خدایا این کیست ندا رسید که یکی از اولاد تو است

که مردمان بر او حسد برند بجهة آنچه با او عطا نمایم
عرض کرد آن چه باشد ندا رسید خطی از حسن آدم او را
در بر کرفت فرمود لا تاسف یا بنیّ وانت یوسف فی زبدة
التّصانیف مولانا حمید را اوّل مولودیکه در اسلام
بدنیا آمد عبدالله بن زبیر بود اوّل کسیکه مرثیه
کفت برای امام حسین علیه السّلام بجار بود اوّل
کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول
خواجه است نسخه از آن دیده شد اوّل اذانی که بلال
کفت برکوه ابو قبیس بود در فتح مکّه اوّل خداوند از ملائکه
میثاق کرفت و اوّل کسی که بلی کفت حجر الاسود بود از ائمّه
طاهرین روایت شده که خداوند وقتیکه اخذ میثاق
کرد بر ربوبیت خود و نبوّت محمّد مصطفی صلّی الله علیه واله
و بوصایت علی علیه السّلام تمام ملائکه صوامع جبروت
و بار یافتکان عالم ملکوت بلرزه افتادند اوّل کسیکه
از ملائکه سبقت نمود باقرار باین میثاق حجر الأسود بود
و از این جهت خداوند او را امین کرد و میثاق را بدهن او سپرد
و حجر الأسود بیاید در روز قیامت و برای او باشد لسان
ناطق و عین ناظر و شهادت دهد برای هر کس که بانمکان
آمده و میثاق را حفظ نمود و حجر را از بهشت بیرون آورد
تا اینکه آدم متذکر شود آنچه را که فراموش کرده از عهد

ومیثاق او در وسائل وانوار النعمانیه سید جزائری اول
رایتیکه از کوفه بر پا شد در خلافت امیر المؤمنین علیه السلم
رایة ربیع بن خیثم بود اول خطبهٔ پیغمبر برای مسلمین فرمود
در سال اول هجرت بود در منتظم ناصری اول جزیه مجسم
در اسلام مصالحهٔ اهل حیره با خالد به نه هزار درهم
در سنهٔ یازده هجری در منتظم اول سراپرده که در منی
زده شد سراپرده عثمان بود که در سال ۲۹ حج کرد در منتظم
اول مقصوره که در مدینه ساخته شد مقصوره مروان
بن حکم بود در منتظم اول کلامی که امیر المؤمنین علیه السلم
فرمود در نهج البلاغه شد بداء اول کلامی که ذکوریا گفت در
وقتیکه منشار بر سرش نهادند این بود الحمد لله الواحد
الاحد الصمد فی تاریخ وقتیکه آدم هبوط بزمین نمود
اول کلمهٔ بزبان سریانی گفت فارسیش اینست شکر توانائی
راکه از عالم نور بنده فلکی خود را با نمرافتی رسانید
در تاریخ وقیل ان اول من تکلم بالعربیة آدم علیه السلم
فی الجنة فی حل المشکلات فی المسائل المهمات اول
من لقب بالصاحب من الوزراء اسماعیل بن عباد فی
تاریخ ابو الفداء اول من ینتصر ملوک الروم هو شاپور
ذی الاکتاف فی ابن اثیر اول من بنا القبة علی الفاطمة
زینب سلام الله علیها بنت امام الجواد ع اول من اتخذ

له العرش فاطمة عليها سلام الله اول من اتخذ الرايات الخليل اول من
رمى فى سبيل الله سعد بن ابى وقاص اول من كاتب لقمان الحكيم
فى جعفريات اول شهيد فى الاسلام مجمع فى جعفريات اول مولود فى الاسلام
عبد الله بن زبير فى جعفريات اول من دفن فى البقيع اسعد
بن زرارة فى جعفريات اول من ارتبط الفرس فى سبيل الله
المقداد فى جعفريات اول من سمى محمدا نبينا صلى الله عليه
واله فى جعفريات اول من سجد لله شكرا امير المؤمنين
عليه السلام ليلة المبيت وشكرا لسلامة نفسه الشريف
فى جعفريات اول من تجلى له انوار نبوته الذاتية السارية
فى المظاهر الكونية كلها واول من فتح الله عليه صفاته
الثبوتية الحقيقية من اولاد ادم عليه السلام بعد الفنا
فيه والبقاء به ابراهيم الخليل عليه السلام در ناسخ
امده فيثاغورس اول كسيكه قايل بقول دهريون
وطبيعيون از امير المؤمنين است كه هذا وند عرضه داشت
ولايت مرا بر طيور اول كسيكه از انها قبول كرد باز سفيد
وقبره كه نوعى است از عصافير در نفائس الاخبار در
خبر در سماء والعالم مجلد بحار روايت كرده قبره مرغى
است كه هديه براى حضرت سليمان اورد هديه او را
قبول كرد ودست بر سر او كشيد واز براى ايشان دعا
كرد واز اثر دست انجناب كاكل بر سر انها روئيده شد

مؤلف گوید مناسب این خبر این اشعار دیده شده

جائت سلیمان یوم العید قبرة	اتت بفخذ جراد کان فی فیها
ترنمت بفصیح القول واعتذرت	ان الهدایا علی مقدار مهدیها

ونیز بفارسی انشا شده بجهة تحف بجانب بزرگان

لایق نبود قطره بعمّان بردن	خار وخس صحرا بگلستان بردن
اما چکنم که رسم موران باشد	پای ملخی نزد سلیمان بردن

وایضا علی علیه السلام فرمود که اول مرغیکه از آنها انکار نمود بوم وعنقا بودند اما بوم از صفت او اینست که در روز ظاهر نمیشود بر سبیل مداومت سر ترسیدن باز و اما عنقا پس او میان مردم پنهان می شود اول کسیکه در عقاید حقه امامیه تصنیف نمود شیخ جلیل خواجه نصیر الملة والدین محمد بن الحسن الطوسی بود کتاب تجرید در معرفت وتوحید نام نهاده و یقول صاحب کتاب الکفات فی مدح علی علیه السلام هاله هالة هرون موسی فانهما اعلی حب علی لا من القوم سفاها اول الناس صلوة جعل التقوحلاها ردت الشمس علیه بعد ما غاب سناها در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی گوید قال اهل السیرة اول هاشمیة ولدت خلیفة هاشمیة ولا یعرف خلیفة ابوامها هاشمیان سوی امیر المؤمنین علیه السلام وهی اول امراة هاجرت عن مکة الی المدینة ماشیة حافیة وهی

اوّل امراة بايعت رسول الله صلّى الله عليه واله وسلّم بمكّة
بعد خديجه فى تذكره خواص الامّة اوّل من اسلم من الصبيان
على عليه السّلام فى ابن جوزى اوّل من قال فما عدا فيما بدا
هو امير المؤمنين على عليه السّلام قاله العالم الفاضل
النّبيه العلّامة النّورى نوّر الله قلبه اوّل من سنّ القتل
والظلم هو قابيل بن ادم اوّل من ينتصر من ال نصر بن
ربيعه وهو بهرام بن هرمز بن سابور فى ابن اثير اوّل
شجرة غرست فى الارض الوثبيه ومنها عصاء موسى فى
حيوة القلوب اوّل من اخترع البديع وسمّاه بهذا التّسمية
عبد الله بن المعتزّ العبّاسى قال فى صدر كتابه وما جمع
قبلى فنون البديع احد ولا سبقنى الى تاليفه مؤلف و
الفته فى سنة اربع وسبعين ومأتين فمن احبّ ان يقتدى
بنا ويقصر على هذه فليفعل ومن اضاف من هذه المحاسن
اوغيرها شيئا الى البديع وارتاى غير رأينا فله اختياره
قال السّيد على خان فى انوار الرّبيع كنت اظنّ انّ اوّل
من نظم انواع البديع على هذه الأسلوب البديع فضمّن
كلّ بيت نوعا والقاد لشموس هذا المرام طوعا هو الشّيخ
صفى الدّين الحلّى ره اوّل من انتقل الى مكّة المشرّفة من شيراز
السيّد محمّد معصوم بن على بن نظام الدّين احمد بن محمّد
معصوم بن احمد نظام الدّين بن ابراهيم شرف الملّة بن محمّد

فى القاسم والعقيق ع بالبين ومعدن القصر وذات م عرق عجم نسخه

صدر الدین بن اسحق عز الدین بن علی ضیاء الدین بن عربشاه
فخر الدین بن امیر عز الدین ابی المکارم بن امیر خطیر الدین
بن الحسن شرف الدین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العریری
بن علی ابا سعید الطیبینی ابن زید الأعثم ابی ابراهیم بن علی
ابی شجاع الزاهد بن محمد ابی جعفر بن علی بن الحسین بن جعفر
ابی عبدالله بن احمد نصیر الدین السکین النقیب ابن جعفر
ابی عبدالله الشاعر بن محمد ابی جعفر بن محمد بن زید الشهید
بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب فی القاموس والهالکی
الحداد والقیتمل اوّل من عمل الحدید الهالک بن اسد در
قاموس اوّل کسیکه گفته امّا بعد گفت داودنبی است یا کعب
بن لوی اوّل کسی که در اسلام بپاشید لوائی بود سفید
که برای حمزه رسول خدا صلعم بست و مامور نمود بسراه قریش
در منتظم ناصری اوّل کسیکه خانه کعبه را جامه پوشانید
تبع یمن اسعد ابو کرب حمیری بود واو معاصر کورساسانی بود
در تاریخ نزهة القلوب حمدالله مستوفی از ال حمریا حمی اوّل
نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن ایهٔ اِذْ یَقُوْلُ
الْمُنَافِقُوْنَ الخ در سنه پنج هجری فی منتظم و اوّل قضای نماز
عصر که با نماز عشای شب خوانده شد فی منتظم اوّل سالی
که منبر برای وعظ وخطبه ساخته شد در سال هفت هجری
بود در منتظم ناصری اوّل تبتا ربعی که بعد از وفات حضرت

رسول صلعم بمسلمین رسید خبر قتل ذوالخمار سهلة بن کعب
بن عوف بود فی منتظم اوّل کسیکه امر فرمود هر دو تن بر
سر یك ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبینا
واله وعلیه السلام بود چه در تواریخ آمده یازده برادر او
چون بر سفره ضیافت نشستند و هر دو تن بر سر یکظرف طعام
بن یامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السلام که با بنیامین
از یك مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنشست
اوّل کسیکه بال و پر ترتیب داد و بهوا طیران نمود ارسطا
طالیس حکیم بود واکنون ارباب صنایع فرنك ساخته‌اند
اوّل ظهار که در اسلام واقع شد قصه اوس بن صامت
است با زوجه اش خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه واین
قصه چنانستکه اوس خواست وقتی با او نزدیکی کند
زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد گفت بزن خود انت
علی کظهر امی تو بر من چون پشت مادر منی واین طلاق
جاهلیت بوده پس نادم شد اوس بزن گفت گمان نمیکنم
که تو حلال باشی از برای من پس گفت برو از پیغمبر صلی الله
علیه واله سؤال کن زن بخدمت پیغمبر آمد وحکایت
خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن
صیحه زد و ناله کشید وعرض کرد بار پروردگارا بفرست
بر زبان پیغمبر خود چیزی را عایشه سر پیغمبر را شست وشوی

داد دران حال وحی آمد و آیهٔ ظهار قد سمع الله قول التی
تجادلک فی زوجها نازل شد رسول طلب اوس را پس فرمود
می توانی آزاد کنی غلامی را عرض کرد قوه ندارم فرمود دو
ماه پی در پی روزه بدار عرض کرد من پیرم و ناتوانم اگر روزی
سه مرتبه طعام نخورم بینائی من تمام میشود فرمود میتوانی
شصت مسکین طعام بدهی عرض کرد نه حضرت فرمود
اعانت کنم ترا بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میدانند
که افقر از من در میان مدینه نیست فضحک رسول
الله وقال اذهب الی اهلک اوس خوشدل شد اول
زمانیکه چاپ مخترع گشت سنه اربع و خمسین و ثمانمائه
بود اول زمانیکه باسمه سازی مخترع گشت سنه هزار و
دویست و ده هجری بود اول زمانیکه تفنگ چخماق را
ساختند سنه اثنا عشر و مائة بعد الالف بود و در
این سال سلطان عادل خاقان مغفور جلوس نموده
و آقا سید مهدی بحر العلوم طباطبائی وفات نموده و آقا
سید مرتضی واعظ جد مؤلف این رساله تولد یافته
اول کسیکه بخندق کندن و نقاره زدن صبح و شام
اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب السیر افسطوس که در
سلک حکماء فرنگ انتظام داشت رایت استقلال بر
افراشت و افسطوس در حبیب السیر اول پادشاهیکه

فی اللغة لقب وقیصر ملک الروم فی العربیة

اورا قیصر خوانند بتقریب آنكه وقتیكه متولد میشد
مادرش فوت شد شكم مادرش را شكافتند اورا بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنگستان قیصر گفتند وچون
بزرگ شد وبجهانبانی رسید بهمان نام قیصر میخواندندی
تمامی ممالك روم وشام ومصر بحیز تصرف وتسخیر او در آمد
در حبیب السیر والبربر جیل من النّاس یقال الاوّل من سمّاهم
بهذا الاسم افریقیس الملك لمّا ملك بلاد وقد جاء فی حدیث
الباه فی اهل بربر فی حدیث الجوهری عن ما ناجی به امیر المؤمنین
علیه السّلام عند قبر النّبی صلی الله علیه وآله اللّهم هذا
اوّل العدد وصاحب الأبد ونورك الّذی تبهرت به
غواسق العدم وبواسق الظلام وجعلته منك ولك والیك
وعلیك دالاً لبیان وحدانیة الأحدیة فی اللاهوت
وجسده صورة معانی الملك والملكوت وقلبه خزانة
الحیّ الّذی لا یموت طاوس الكبریاء وحمام الجبروت تبیین
قال علی علیه السّلام انّه صلی الله علیه وآله اوّل العدد
وهذا لانّه كان صلی الله علیه وآله اوّل ما خلق الله وما
كان قبله موجود سوی الباری تعالی وهو الأوّل بلا
اخر ولكنّه لیس من قبیل الأعداد ولا یطلق علیه انّه عدد
كما قال به اهل الحساب لأنّه تعالی واحد والواحد علی
الأصحّ لیس عددا فعلی هذا اوّل العدد هو النّبی صلی الله

علیه

علیه واله از هو ثانی الموجودات واوّل الممکنات وثانی الواحد عدد بلاخلاف وهیهنا زیاده الکلام لتوضیح المرام خداوند منّان عزّ شانه در کلام مجید در چند محل ذکر اوّل میفرماید در سوره ال عمران میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَهُدًی لِّلْعَالَمِیْنَ ودر سورۀ انعام میفرماید قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ الخ ونیز درهمین سوره میفرماید وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا خَلَقْنَاکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ونیز درهمین سوره می فرماید وَنُقَلِّبُ اَفْئِدَتَهُمْ وَاَبْصَارَهُمْ کَمَا لَمْ یُؤْمِنُوْا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِیْ طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُوْنَ ونیز درهمین سوره میفرماید لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَاشَرِیْکَ لَهٗ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِیْنَ ودر سورۀ اعراف میفرماید فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ اِلَیْكَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِیْنَ ودر سورۀ توبه می فرماید اَلَا تُقَاتِلُوْنَ قَوْمًا نَکَثُوْا اَیْمَانَهُمْ وَهَمُّوْا بِاِخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَهُمْ بَدَؤُکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ونیز درهمین سوره می فرماید اِنَّکُمْ رَضِیْتُمْ بِالْقُعُوْدِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخَالِفِیْنَ ونیز درهمین سوره میفرماید لَاتَقُمْ فِیْهِ اَبَدًا لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَی التَّقْوٰی مِنْ اَوَّلِ یَوْمٍ الخ ودر سورۀ کهف می فرماید لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا کَمَا خَلَقْنَاکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ودر سورۀ طه می فرماید قَالُوْا یَا مُوْسٰی اِمَّا اَنْ تُلْقِیَ وَاِمَّا اَنْ نَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰی ودر سورۀ

انبیاء میفرماید یَوْمَ نَطْوِی السَّمَاءَ کَطَیِّ السِّجِلِّ لِلْکُتُبِ
کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ الخ ودر سورهٔ شعراء می فرماید إِنَّا
نَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لَنَا خَطَایَانَا أَنْ کُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِینَ ودر سورهٔ
یس می فرماید قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ الخ ودر
سورهٔ زمر میفرماید قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللهَ مُخْلِصًا
لَهُ الدِّینَ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَکُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِینَ ودر سوره حم
سجده که فصلت باشد می فرماید وَهُوَ خَلَقَکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ ودر سورهٔ زخرف میفرماید قُلْ إِنْ کَانَ
لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِینَ مؤلف گوید دانایان
دانند که در قرآن مجید لفظ اول بسیار است ولی بجهة
تیمن وتبرک بهمین چند آیه اکتفا نمودیم اول خطبه که رسول
خدا صلی الله علیه وآله خواند در قبا بود چون پیغمبر
ساز مدینه کرد در روز جمعه از قبا بیرون شد وبر شتر
خویش بنشست چون بقبیله بنی سالم ابن عوف رسید
هنگام نماز جمعه در آمد وایشان قبل از ورود پیغمبر
مسجدی از بهر خود بنا کرده بودند پس آن حضرت از ناقه
بزیر آمد ودر آنجا رفت وخطبه ادا فرمود بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله الذی احمده واستعینه واستغفره واستهدیه
واومن به ولا اکفره واعادی من یکفره واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

ولم یسلم

وارسله بالهدی والنور والموعظة علی فترة من الرسل
الخ وتمام این خطبه در کتب اخبار شیعه واهل سنت در قصه
هجرت مرقوم داشته اند واین خطبه در اتفاق جمعه مقرر افتاد
وان اول خطبه ونماز جمعه بود که در آن اراضی بپای رفت
قال السید علی خان فی سلوة الغریب اول من انتقل من
اجدادنا الی شیراز المحروسه علیا اباسعید النصیبی قال
علی علیه السلام ما لابن ادم والفخر اوله نطفة واخره جیفة
فی نهج البلاغة ونیز امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید
الحمد لله الاول قبل کل اول والاخر بعد کل اخر باولیته
وجب ان لا اول له وباخریته وجب ان لا اخر له فی نهج
البلاغة اول شیئی که بجوز بنا شد بعد از طوفان نوح بنا شد
شوشتر است در فرهنگ انجمن ارای ناصری اول حکم
عمر عزل نمودن خالد بن الولید ونصب ابوعبیده جراح
بود در منتظم اول صلوة جمعه که در عراق بجای اورده
شد در ماه صفر سنه شانزده هجری بود در روز جمعه
صلوة فتح بود که سعد بن وقاص در ایوان کسری بجا اورد
اول شیاع علم کیمیا در میان اعراب در سال صد و
بیست ویک هجری بود اول متخصص از خلفای عباسیین ابو
محمد عبدالله بن محمد العلوی بود فی منتظم ناصری تالیف
اعتماد السلطنه زید عزه اول کسیکه بوق ساخت نمرود

بود در مجالس المتقين شهيد امده در قصه ابراهيم كه
خواست از خدا عذابى بجهة نمرود و قومش خداوند پشه
فرستاد بروايتى ان قدر پشه امد كه مرد يا صد هزار
پشه كور امد از خوردن وخفتن ونشستن وايستادن
ماندند متحيرانه عاجز وهلاك مى شدند حتى پشه ها
جميع لباسها وكوشتهاى ايشان وزين واسباب اسبان
بخوردى نمرود كفت خانه از مس بجهة او ساختند
كه هيچ شكاف نبوده در او مكر يك سوراخ بسيار تنك
همان قدر كه نفس بيرون ايد حق تعالى پشه فرستاد
تا از ان شكاف داخل شد اما از تنكى سوراخ يك پر
او هم شكست و در بينى نمرود رفت تا بمغز او رسيد
بروايتى تا سيزده شبانه روز مغز سر او بخورد نمرود بى
طاقت شد امر كرد تا بوقها ساختند ومى زدند تا
از بوق بودى ساعتى ارام بودى كويند اول بناى
بوق نمرود نهاد مؤلف كويد توجيه اين بوق بر سه وجه
است يا بوق سلاطين است كه اورا كورنا خوانند يا بوق
درويش وقلندران وقلاشان است يا بوق حمامى
است كه بجهة اخبار مردمان زده مى شود ايلوحكيم اول
من وضع الفوتوغرافيا رجل فرانساوى اسمه شارل ورجل
انكليسى اسمه داقى داول فى در المكنون فى الصنايع والفنون

اوقلما

اوّل ماعمل الشمع فی الهند واستحضر وضع منه فی بلاد البندقیه
ثم فی البورتوغال ثم فی اسپانیا ومن هناك امتدت معرفة
عمله الی فرنسا فی کتاب درّ المکنون اوّل کسیکه در ممالك
ایتالیا لوای حکمت برافراشت ودر نشر علوم وثبت حکم
پرداخت وهنوز در ان ملك قانون دولتی وبنای سلطنتی
میبود در ناسخ التواریخ اوّل خون خوکای بانك بن بکما اسکا ایمیر
اوّل سلاطین چین است در ناسخ التواریخ از دختر حضرت
خاقان مغفور صاحبه شمس الدوله اوّل کسیکه از این
سلسله رجالا ونساء مجاورت عتبات اختیار نمود در تاریخ
خاقانی از تالیفات سلطان احمد میرزا عضد الدوله
اوّل وقتیکه استعمال باروت شروع یافت در سنه
شش صد وهشتاد وشش بود واوّل ظهور در دولت عثمانیه
اوّل زمانیکه توپ ساخته شد سنه هشتصد وشصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتمة الکتاب ابوذر گفت
ان رسول الله قال علیّ اوّل من امن بی واوّل من یصافحنی یوم
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اوّل کسیکه ایمان اورد
بمن واوّل کسیکه در روز قیامت مصافحه کند با من در کامل
السقیفة البهائی در نکت الفصول عجلی امده که فاطمه را رسول
بشارت داده که اوّل کسیکه بمن رسد از اقربای من تو باشی و
فاطمه اوّل بنوهاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی موثق

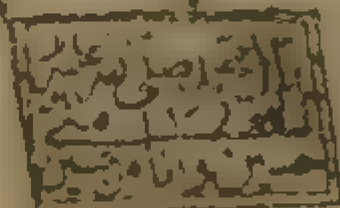
در مدح امیر المؤمنین علی علیه السلام میگوید نقد ان کنج
علم نبی پایان نیست دیگر بحر علی علا کو حکیم است و عالم اشیا
اوّل حق بود بلا اوّل آخر حق بود بلا آخر ودر جای دیگر گوید
اوّل آخر او بود در دین ظاهر و باطن او بود بخدا بنام اوّل
الائمه ختم شد بر ارباب فضل مخفی نماناد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله وله المنّة که آنچه مکنون خاطر بود
بیاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیز تحریر
در آورده و [illegible] بود شکر ایزد فیض
هو [illegible] ختم شد این نامه در قریب [illegible] سال حالی خواهیم
ما از زبان دانا لیک باید بنظر اخراج [illegible] مقبول
طبع خاص و عام للذی منه ابتدئت والیه الختام الحمد لله الملهم
التمام [illegible] مبارکی با هنر [illegible] خوش ترین ایام انجام
در عام هزار و سیصد و شش انجام الحمد لله اولا و آخرا و
باطنا و ظاهرا و صلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین
وقد تمّت هذه الرسالة الشریفة فی اخبار الاوائل مع
تردد البال وکثرة الاشتغال فی السنة الثامنة من المائة الرابعة
بعد الالف من الهجرة النبویة فی کربلاء المعلی علی مشرفها
الاف التحیة والثناء حامدا مصلیا مستغفرا و
کتبه بیمناه الداثرة الخاطئ العبد المسیء جمال الدین
محمد الطباطبائی الیزدی الحائری
عفی عنهما

بسم الله الرحمن الرحيم

تقريظ جناب عمدة العلماء العاملين قدوة الفقهاء الكاملين العالم البارع والبحر الواسع والمحقق العلامة والمدقق الفهامه المحدث الفقيه المتتبع النبيه حاوى الفروع والأصول جامع المعقول والمنقول محقق الحقائق مدقق الدقائق مصباح الهدى مفتاح الدجى سمى ثانى السبطين مولانا الحاج ميرزا حسين النورى الطبرسى نور الله قلبه ومتع الله المسلمين بطول بقائه

بسم الله الرحمن الرحيم

لله در السيد السند والحبر المعتمد جامع فنون الفضائل و حاوى صنوف المعالى والفواضل وماحى مساوى الأخلاق والرذائل النقاد البصير المضطلع الخبير تاج السادة ومعدن الفضل والسعادة الأمجد المؤيد جمال الدين السيد محمد بلغه الله تعالى ما يتمناه فقد احسن واجاد فى هذا التاليف الشريف واغرب وافاد فى هذا الجمع المنيف اللطيف واودع فيه من شوارد الاثار ما تشتهيه الأنفس وتلذ الابصار واجمع فيه من نوادر الأخبار ما تروح به قلوب الأخيار فجزاه الله عن السلف الصالحين والخلف الباقين خير جزاء المحسنين والحمد لله وصلوته على خير خلقه محمد واله الطاهرين كتبه بيمناه الداثرة العبد المذنب حسين بن محمد تقى النورى الطبرسى



تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء و زبدة الأدباء قدوة الأذکیاء عین الفضل و بحر الأدب و کشّاف معضلات من لغات العجم والعرب الفاضل الجلیل العالم النبیل الأدیب الأریب الشاعر الماهر المعاصر آقا شیخ علی الخراسانی الأصل الحائری الموطن الملقّب بشیخ الرئیس دام الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افسرده این محبّ حقیقی و مشفق صمیمی شیخ الرّئیس علی الخراسانی عفی عنه و عن والدیه بر صفحهٔ این صحیفه اجرا یافته تا اینکه از این حقیر بپودی در داش و تاری در قماش در این صفحهٔ ایّام باقی ماند شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلّف از برای این عبد عاصی در یوم الفزع الاکبر نجاة و خلاص حاصل اید

تعالی الله از این تألیف کامل	که در وی جمع امثال هر اوائل
تعالی الله از این شیرین کتابی	که نبود در کتب آن را مماثل
چو عقل اوّل این اوّل کتابیست	که در جمع اوائل گشته حاصل
ز هر اوّل در این فن امدا غاز	ز هر شهر و دیار و هر قبائل
در آن بنهاده بحری از معانی	بالفاظی خوش و لطف و شمائل
ببین درّ و گهر بنهفته در وی	که رخشان هر درش همچون مشاعل
کتابی همدم ارباب دانش	کتابی مونس اهل فضائل
بمهد اندر آن ائین تاریخ	بوجهی شامل و بر نحو کامل

ندیده دیدهٔ اعمای بصیرت — چنین تالیف با چندین مشاغل
زنوک خامهٔ استاد تحقیق — جمال العقل و دین صدر افاضل
جمال الدین محمد آنکه آمد — بدانش فخر اقران و اماثل
بهین نوباوه ختم رسالت — حسینی مرتضی را خوش سلائل
فروزان کوکب درج مناقب — درخشان گوهر درج خصائل
از او علم رجال آمد مسدد — چنانچه در حدیث آمد وسائل
محیط دانش او بیکرانه — بحار بینش او بی سواحل
کلامش گشته مفتاح نوابغ — بیانش جمله مصلح مشاکل
ز تصنیفات وی اندر جوانی — بدست آورده هر [illegible] رسائل
حروفش تحفة الاخوان سالک — رموزش درة البیضاء عاقل
رئیس از بهر تاریخش شب و روز — چه مهر و مه روان در مراحل
که ناله هاتف غیبش بگفتا — بگو شد نام اخبار الأوائل

تقریظ منظوم از جناب [illegible] زبدة الاطباء
الأدیب الأریب اللبیب مولانا السید مهدی الطبیب
الحائری المشهور بالشهرستانی دام عمره

جزیت خیراً جمال الدین حین سمت
منك العلوم وكان العلم مهجورا
فقشعت ظلمات قد اظل بها
جهاله فاستنار الحق تنویرا
احیا الأوائل اعجازا بما رقمت — منه الانامل منظوما ومنثورا

كيف النكير وتاليفاته نطقت
بفضله وبعى جاء مشكورا
فانظر الى كتبه تنظر الى صور
فيها النفوس اقامت للعلى شورا
ما معظل قط الا قد انار بها
برهانه واضاء الشك تفسيرا
سل البلاغة هل تذكر لمنطقه
لدى البيان بديعا كان ماثورا
سقيا الأجداث آباء له سلفت
وعلمهم ظل في الأجداث مسطورا
حتى اذا خلفت ابناءها ورثت
وقد بدا منهم ما كان مغمورا

تقريظ منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلاء العالم الفاضل الأوحد الكامل الموحد مولانا صارم الدين الميرزا محمد زيد عزه سبط العالم الرباني والفاضل الصمداني مولانا محمد صادق الأردستاني اليزدي الحائري طاب رمسه

عماد الواعظين محمد من	تنزه من صباه عن الرذائل
جمال الدين من عليا نزار	حليف المجد من خير القبائل
تجلى بالمكارم والمآثر	تجلى بالمحاسن والفواضل
زكي لو زعي المعي	ربيب العلم محسود الأماثل

نزار

تواترت عن ابیه الفضل قد ما	وکان ابوه ینبوع الفضائل
شریف الأصل ممدوح السجایا	جلیل القدر محمود الخصائل
له فی المکرمات شهود صدق	له فی فضله کم من دلائل
فمنها ما یزید العین نورا	ویسلو منه قلب کل ثاکل
کتاب مستطاب ارخوه	یسر القلب اخبار الأوائل

تقریظ منظوم من جناب الفاضل الجلیل والعالم النبیل الشیخ موسی الحائری دام عمره العالی صاحب کتاب تحقیق الاحکام

بشراکم قد اتاکم خیر تالیف
بغیر لغز واسلوب وتوصیف
من بحر فضل جمال الدین من سمکا
سماء مجد وتفخیم وتشریف
کفاه تالیفه فضلا وفیه غنا
عن ذکر مدح وتجلیل وتوصیف
احیا بما فیه اخبار الأوائل فا
المرء خیر الجزاء عن کل عطریف

تقریظ منظوم از جناب مستطاب فاضل کامل شاعر ماهر ادیب اریب اقا سید هاشم واعظ خلف مرحوم جناب قدوة الفقهاء العظام محقق الحقائق مولانا الحاج سید محمد باقر الطباطبائی الیزدی طاب ثراه صاحب کتاب وسیلة الوسائل فی شرح الوسائل

اگر خواهی کنی از اخبار اپدید باخبر هاشم
بخوان هر دم ز فرط شوق اخبار الأوائل را

وگر خواهی ز اسرار لدنی آگهی یابی
که بنمائی توحید خویش هر آگاه کامل را
چه خوش باشد که با وی انس گیری تا دم مردن
که مونس گشته او پیوسته ارباب فضائل را
حکایت میکند از لوح محفوظ خداوندی
که موجود است و هستی داد عالم را و جاهل را
گرش با نور بنویسند بر رخسار حور العین
روا باشد چه الفاظش منور میکند دل را
بود جمعی لطیف از بدر جمع دانش و بینش
که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را
سلیل الحمد احمد دلیل شرع پیغمبر
مثال مهر خورشید نکو کرده خصائل را
جمال الدین والدنیا محمد زاده زهرا
که اندر عصر خود شد راهست قرآن و اماثل را
بود تاریخ تألیفش بعهد ناصر الدین شه
نه بیند دو جهان چشمی چنین سلطان عادل را
شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توام
نزاید مادر گیتی چه او فرزند مقبل را
چه رفتی یکهزار و سیصد و هفت با یک از هجرت
بانجام آمد این تألیف و زایل کرد باطل را

بمدح

بمدح این کتاب ای قطب عقلت شد چنین عاجز
که در عمرت نخواهی حل نمود اینگونه مشکل را

تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد الزاهد الشاعر الماهر المعاصر الجمولی الاقا شیخ جواد الدزفولی الحایری المتخلص بوامق سلمه الله تعالی بر کتاب اخبار الاوائل ومونس ارباب الفضائل

تبارک الله از این اختتام طرفه کتاب
بزیب عالم تو گوئی چو ابر با رد آب
سحاب فضل همانا بفصل نیسانی
نهفت در صدف فهم خرف دو خوشاب
گرفت مریم دهر از نفیب روح قدس
هزار عیسی جان از زمین بر شده در خواب
برغم مدعیان نوعروس مجله فضل
فکنده از رخ معنی هزار گونه نقاب
به پرده چند سخن فاش گو میت بملا
که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
در او ست مندرج اخبار هر اوائل دهر
یگانه گوهر پر قیمتیست بس نایاب
نخست نغز کتابیست از مؤلف آن
که متقن است و مسلم بصحه اصحاب

بیان وی همه نغز و کلام او همه مغز
مطالبش براهین عقل فصل خطاب
مورخین همه حیرتش ز شاب و ز شیخ
محدثین همه در مدحتش ز شیخ و شاب
انیس بی بدلی از برای اهل کمال
جلیس بی مثلی در بر اولوا الالباب
از انکه کشت مرقم ز نوک خامه بجل
جمال ملة والدین سلاله اطیاب
سمی ختم رسل جامع اثابت و علوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نساب
ربوده کوی سعادت زهمکنان در فضل
چنانچه مفتخر است در جهان بقم و زباب
همین بس است بفضلش که در بدایت خلق
کرفته مسلك پیران دین بعهد شباب
برتبه مجلسی عصر خویش در تالیف
کرفته از کل اخبار روزکار کلاب
بکاه سرعت تحریر نوك خامه او
رقم زند ز دو صد قصه در ذهاب و ایاب
بیان وصف چنین نو خجسته ممکن نیست
ز وصف او نتوان کشت عالمی سیراب

زبان

زبان ببند تو وامق ز مدح و منقبتش
گذار قصهٔ مدحش سوی دعا بشتاب
الا همارهٔ فلك تا که پر ستاره بود
همیشه تا که ببارد مطر بخلق سحاب
بجلوه روی محبش با نبساط سرور
بگوید چشم حسودش چه ریزش میزاب

مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب قدوة الفضلاء الکرام آقا شیخ مراد دزفولی الأصل که صاحب تقریظ منظوم است ساعت صحن شریف را که از موقوفات جناب جلالت مآب میرزا اسماعیل خان امین الملك دام عمره است آنچه در شبانه روز که بیست و چهار ساعت است از ربع و نیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد باین مصرع آخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه (روز ششصد و سی و شش هست)

ساعت صحن نجف گوید باواز جلی
٦٣٦
کی وصی بعد محمد ای قوام دین علی

بخواهش شیخ مذکور الشهیر بوامق سلمه الله مرقوم افتاد.

تمت

کتب و رسائل مؤلفات جناب سید خبیر و فاضل بصیر مؤلف این کتاب در این فهرست ٢ سراج الأمة فی احوال

الانبیاء والائمہ علیہم من اللہ الاف التحیۃ والرحمۃ نجات
المذنبین فی مصائب ال طه ویس لطائف الاقوال فی
معرفۃ الرجال کشف الحجب الطلاسیہ فی اسماء الکتب الامامیہ
تاریخ ریاض الجنان لسان الغیب فی علم المعما غرائب
البلدان حدیقۃ الفضلاء وروضۃ الشعراء اخبار الاوائل
ومونس ارباب الفضائل کہ ھمین کتاب است ریاض الملوک
فی السیر والسیر والسلوک مشتمل علی الجداول والبیوت
تذکرۃ المصنفین من العلماء وترجمۃ المؤلفین من الفضلاء
مفتاح التواریخ فی ذکر سالات السلاطین الصفویہ
سوانح عمری ماہ ومہر فی تاریخ بوشہر تحفۃ الاخوان
فی احوال سیدالعارفین اقاخان اعلیحضرت المحلاتی روضۃ
الناصریہ مخزن الدعوات المجربہ نجوم الارض فی ذکر
محدثین العصر الذین اطاعۃ الناس لہم فرض احسن
التقویم فی الاختیارات بحر الحقائق وکشف الدقائق
فی الاشعار کتاب الکشکول المسمی بموائد السالکین
وفوائد الحائرین ربیع القلوب فیما وقع لشہر الربیع
زبدۃ الاخبار فی تاریخ ائمۃ الاطہار تذکرۃ المعمرین
تحفۃ الانام فی شرح وقایع الایام مراۃ العالم فی
احوال بنی ادم مصباح المتقین فی اعمال السنہ مجمع
التواریخ فی تاریخ الولادۃ والوفیات العلماء درۃ

البیضاء

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد [illegible]

البیضاء فی احوال فاطمة الزهراء بدایع الکلام فیمن فاز بلقاء الامام رسالة فی احوال سید العلماء الحاج سید حسین الیزدی طاب ثراه منهج الشیعة وتقویم الشریعه

تمت بالخیر

حسب الفرمایش جناب زبدة الاطیاب ونخبة الانجاب قدوة الابرار وزبدة الاخیار افتخار الادباء آقا محمد رضا زید عزه نجل جناب اشرف الحاج والعمار واقبار الموثق بتوفیقات الله الرؤف والمؤید بتائید الله الحاج غلامعلی صنا تاجر بهبهانی حفظهما الله تعالی

[illegible]

کتبه اقل الاحقر المذنب الفقیر محمد علی بن مرحمت و غفران پناه آقا محمد کاظم لاری طاب ثراه بتاریخ ۲۳ شهر رمضان المبارک در بندر بمبئی اتمام پذیرفت

سنه ۱۳۱۲





